

رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه:

# آزمون وکالت اسفند برگزار خواهد شد



رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه از برگزاری آزمون وکالت در اسفند ماه خبر داد.

حسن عبدلیان پور رئیس مرکز وکلا و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه در دیدار با حجت الاسلام والمسلمین اکبری رئیس کل دادگستری استان مازندران ضمن تقدیر از تعاملات سازنده دادگستری استان مازندران با مرکز وکلا و کارشناسان رسمی استان مازندران گفت: تعاملات و استفاده از ظرفیت‌های دوجانبه مرکز وکلا و کارشناسان رسمی و همچنین دادگستری‌ها ضروری است و نقش مهمی در خدمت موثر به مردم دارد.

وی از برگزاری آزمون وکلا تا پایان سال و در اسفند ماه خبر داد.

وی گفت: در سال‌های گذشته با کمبود و عدم توزیع عادلانه کارشناس رسمی در کشور رو به رو بودیم که مشکلاتی نیز ایجاد کرده بود و با برگزاری آزمون ۱۱ هزار نفر در ۸۰ رشته در کل کشور پذیرفته شدند. براین اساس برنامه ریزی شد تا توزیع عادلانه کارشناس با این جذب نیرو صورت گیرد.

حسن عبدلیان پور ادامه داد: امروز با برگزاری مراسم تحلیف ۱۵۰ نفر از کارشناسان در استان مازندران تعداد کارشناسان مازندران به ۹۵۰ نفر در ۶۴ رشته کارشناسی رسمی می‌رسد.

**رئیس کل دادگستری مازندران:**  
بسیاری از مردم از اطلاعات حقوقی کافی و وافی برای دفاع از خود در محاکم برخوردار نیستند و ضرورت دارد از وکلا استفاده کنند که خوشبختانه مرکز وکلا و کارشناسان رسمی قوه قضاییه در سال‌های گذشته با افزایش تعداد وکلا توانسته است در فرایند دادرسی کمک شایانی به مردم کرده و نیز زمینه بهره مندی افراد کم بضاعت و کم برخوردار را به وکیل معاضدتی فراهم کند.

رئیس کل دادگستری مازندران از اقدامات و عملکرد مرکز وکلا و کارشناسان رسمی استان مازندران تشکر کرد و گفت: خوشبختانه مرکز وکلا و کارشناسان

همزمان با میلاد مسیح (ع)، کلیسا میزبان اعضای مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه

## وقتی در کلیسا و مسجد می‌شود مشاوره‌ی حقوقی ارائه کرد

حامی عدالت: دانش حقوقی را باید انتقال داد، حتی در کلیسا و مسجد. بسیاری از امور زندگی، نیازمند دانستن مسائل حقوقی پیرامون آن است. برخی از مسائل که به مشکلات حقوقی تبدیل شده‌اند، نیازمند راه‌حلی برای برطرف شدن هستند. دانستن این راه‌حل نیاز به مشاوره با شخصی صاحب فن دارد که بتوان با او مشورت کرد و راه‌حل صحیح را پیدا کرد. این شخص که حقوقدان یا وکیل صاحب‌نظر است می‌تواند آرامش را به زندگی شخص بازگرداند. این مشاوره به طور معمول با صرف هزینه ریالی همراه است که ممکن

است بسیاری از افراد، امکان پرداخت آن را نداشته باشند. این مهم از نگاه مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه نیز دور نمانده است. به همین دلیل این مرکز به رفع مشکلات حقوقی مردم، آن هم به صورت رایگان، در برخی از اماکن همت گمارده است. این بار مقارن با میلاد مبارک مسیح (ع) مشاوره حقوقی رایگان به دست وکلا و کارشناسان رسمی این مرکز، به همراه ریاست آن و معاونین در کلیسا انجام گرفته است.



نشست شورای عالی قوه قضائیه:

# تبیین و تشریح تخصصی برخی علل و عوامل تأخیر در رسیدگی‌ها توسط قاضی القضاة



رئیس قوه قضائیه در نشست شورای عالی قضایی به صورت موشکافانه و تخصصی به تبیین و تشریح برخی علل و عوامل تأخیر در رسیدگی‌ها پرداخت و در همین راستا به مقوله‌ی «اختلاف در تعیین صلاحیت‌ها میان قضاة و مراجع قضایی برای رسیدگی به یک پرونده» اشاره کرد و گفت: بعضاً مشاهده می‌شود که تا اختلاف میان قضاة و مراجع قضایی برای تعیین صلاحیت ناظر بر رسیدگی به یک پرونده توسط مرجع حل اختلاف (فرض کنید دیوان عالی کشور) حل شود، یک فرآیند یک ساله طی می‌گردد؛ حال آنکه چنانچه همان قاضی اول، تأمل و دقت بیشتری به خرج می‌داد و با مقام بالاتر و یا قضاة دیوان عالی کشور مشورت می‌کرد، چنین زمان طولانی‌ای صرف نمی‌شد.

رئیس دستگاه قضا در ادامه، یکی دیگر از علل تأخیر در رسیدگی‌ها را پرونده‌هایی دانست که از ناحیه مقام قضایی به ضابطین ارجاع می‌گردند اما پیرامون آنها دقت و اهتمام لازم صورت نمی‌گیرد؛ قاضی القضاة در همین رابطه گفت: مقام قضایی وقتی پرونده‌ای را به ضابط ارجاع می‌دهد، در خصوص مسئولیت و وظیفه ضابط در قبال پرونده موصوف، دستور دقیق صادر کند؛ در مواردی مشاهده می‌شود که یا پرونده ارجاعی حاوی دستور دقیق نیست و یا مواردی در آن دستور قید شده که مازاد بر شکایات یا دادخواست مربوطه است.

رئیس عدلیه افزود: همچنین وقتی مقام قضایی، پرونده‌ای را با قید دستور مشخص و دقیق به ضابط ارجاع می‌دهد، پیگیری‌های لازم را به عمل آورد که ضابط در وقت مقتضی، اقدامات لازم را در قبال آن پرونده ترتیب دهد و در این امر هیچگونه تأخیر و تعللی وجود نداشته باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در ادامه با اشاره به مقوله‌ی «نظارت بر کار ضابطین» جهت پیشگیری از مواردی که سبب تأخیر در رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود، گفت: گاهی یک ضابط یا بخش اطلاعاتی برای پیشبرد کار خود در امر تحقیقات به پاسخ فرضاً ۱۰ سؤال نیاز دارد، وجود آنها و انتظار برای به دست آمدن پاسخ آنها نباید در رسیدگی‌های مقام قضایی تأخیر بیندازد؛ همچنین در مواردی که قاضی زمان معینی را برای ضابط جهت تکمیل تحقیقات تعیین کرده چنانچه از موعد مقرر گذشت، مقام قضایی تصمیم مقتضی را در قبال پرونده اتخاذ کند.

رئیس قوه قضائیه تصریح کرد: در مواردی هم که پرونده دارای متهم تحت قرار بازداشت است، اینگونه نباشد که در طول یکماه، مقام قضایی از وضعیت متهم بازداشتی و محل نگهداری او بی‌اطلاع باشد و بعد از یکماه ضابط برای تمدید قرار بازداشت به آن مقام قضایی مراجعه کند؛ قاضی در اینگونه موارد ضابط را مورد سؤال قرار دهد که آیا در طول این یکماه اقدامات مقتضی و مکفی را برای تکمیل تحقیقات از متهم انجام داده و آیا ضرورتی برای تمدید بازداشت او وجود دارد؟ در مواردی، به صورت دقیق و کافی بر روی پرونده کار نشده اما اعلام می‌کنند که تمدید قرار بازداشت ضرورت دارد! این ضرورت‌ها شاید خیلی موجه نباشند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای با اشاره به مقوله‌ی استعلام‌ها و امکان تأخیر در رسیدگی‌ها بواسطه دیر واصل شدن استعلامات، گفت: مقام قضایی در مواردی که پیشبرد همه جوانب پرونده منوط به وصول پاسخ استعلامات نیست، رسیدگی‌ها را با توجیه «عدم وصول پاسخ استعلام» متوقف نکند؛ همچنین در مواردی که وصول پاسخ استعلامات برای پیشبرد رسیدگی‌ها ضروری است، در صورت تأخیر مرجع مورد استعلام، پیگیری‌های مقتضی از همه طرق قانونی و

ضابطه‌مند توسط مقام قضایی صورت گیرد. «ارجاع به کارشناسی» و «تأخیر و تعلل در ارسال نظریه‌های کارشناسی» و یا «کارشناسی‌های ناقص و دوپهلوی»، مقوله‌ی دیگری بود که رئیس قوه قضائیه در باب علل تأخیر در رسیدگی‌ها مطرح نظر قرار داد و در همین راستا گفت: چنانچه مقام قضایی پرونده‌ای را به یک کارشناس ارائه داد، اولاً برای او بصورت واضح معین کند که چه خواسته‌ای وجود دارد؟ همچنین برای کارشناس، زمان مشخصی را جهت ارائه نظریه کارشناسی تعیین کند و چنانچه کارشناس مربوطه در وصول نظریه کارشناسی در باب پرونده مورد نظر تأخیر و تعلل به خرج داد و یا کارشناسی‌های او ناقص و دوپهلوی بود، موارد از طرق قانونی پیگیری شود و مراتب امر به اطلاع کانون کارشناسان برای انجام اقدامات مقتضی در قبال آن کارشناس برسد؛ ایضاً مقامات قضایی در قبال پرونده‌هایی که پیشبرد آنها و اتخاذ تصمیم در قبال آنها نیازی به کارشناسی ندارد، از ارجاع به کارشناس خودداری کنند؛ همانطور که بارها اعلام کرده‌ایم کارشناسی در پرونده‌های قضایی، «طریقت» دارد نه «موضوعیت».

رئیس دستگاه قضا در ادامه با اشاره به مقوله‌ی «کشف یک جرم در اثناء رسیدگی به یک اتهام» و زمینه‌ای که این امر می‌تواند جهت تأخیر در رسیدگی‌ها فراهم کند، گفت: در مواردی ممکن است، در حین و اثنای رسیدگی به یک پرونده، اتهام یا جرم دیگری منتسب و یا کشف شود که شاید مستقیماً ارتباطی با آن پرونده نخست نداشته باشد؛ در اینگونه موارد مقام قضایی (چنانچه بواسطه اختیارات قانونی‌اش موظف به پیگیری پرونده دوم نیز هست)، از توقف رسیدگی به پرونده اول تا زمان کشف تمامی ابعاد پرونده دوم، اجتناب ورزد و رسیدگی به پرونده اول را منوط به تکمیل تحقیقات در پرونده دوم نکند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای تصریح کرد: موارد فوق‌الذکر، در زمره علل و عواملی هستند که سبب تأخیر در رسیدگی‌ها می‌شوند؛ لذا مقامات قضایی باید نسبت به آنها امعان نظر و اهتمام داشته باشند؛ این موارد لزوماً نیازمند تجهیز منابع و اعتبارات و نیرو نیستند بلکه با دقت نظر در آنها می‌توان از وقوع تأخیر در رسیدگی‌ها جلوگیری به عمل آورد؛ همچنین ضروری است که مراجع و مقامات قضایی بالاتر، نسبت به برگزاری جلسات توجیهی و آموزش این قبیل از امور به قضاة اهتمام داشته باشند و مراجع نظارتی در دستگاه قضایی انجام این امور توسط قضاة را مورد نظارت قرار دهند؛ باید توجه داشت چنانچه در انجام این امور کوتاهی صورت گیرد، موجبات ناراحتی و بی‌اعتمادی مردم و یا تضییع حقوق آنها فراهم می‌شود.

رئیس قوه قضائیه در ادامه نشست به مقامات قضایی ذیربط از جمله قضاة دیوان عالی توصیه کرد که در موعد بررسی پرونده‌ها، آسیب‌های موجود در نحوه رسیدگی‌ها و صدور احکام در مراجع بدوی و تجدیدنظر را احصاء کنید و مراتب را برای جمع‌بندی و مدون کردن به رئیس دیوان عالی و سایر مراجع و مقامات قضایی ذی‌صلاح ارجاع دهید تا این آسیب‌های احصاء و تدوین شده به زمینه‌ای برای آموزش به قضاة و برگزاری جلسات توجیهی تبدیل شوند.

رئیس دستگاه قضا در پایان به مقامات قضایی ذیربط دستور داد تا بر روند رسیدگی‌ها به پرونده‌هایی که علاوه بر جنبه‌های حقوقی، واجد ابعاد سیاسی و اجتماعی هستند نیز نظارت بیشتری داشته باشند تا آسیبی از ناحیه این ابعاد و اطراف غیرحقوقی به وقوع نپیوندد.

**محسنی اژه‌ای: بعضاً مشاهده می‌شود که تا اختلاف میان قضاة و مراجع قضایی برای تعیین صلاحیت ناظر بر رسیدگی به یک پرونده توسط مرجع حل اختلاف (فرض کنید دیوان عالی کشور) حل شود، یک فرآیند یک ساله طی می‌گردد؛ حال آنکه چنانچه همان قاضی اول، تأمل و دقت بیشتری به خرج می‌داد و با مقام بالاتر و یا قضاة دیوان عالی کشور مشورت می‌کرد، چنین زمان طولانی‌ای صرف نمی‌شد**

**مقام قضایی وقتی پرونده‌ای را به ضابط ارجاع می‌دهد، در خصوص مسئولیت و وظیفه ضابط در قبال پرونده موصوف، دستور دقیق صادر کند؛ در مواردی مشاهده می‌شود که یا پرونده ارجاعی حاوی دستور دقیق نیست و یا مواردی در آن دستور قید شده که مازاد بر شکایات یا دادخواست مربوطه است**

**در مواردی ممکن است، در حین و اثنای رسیدگی به یک پرونده، اتهام یا جرم دیگری منتسب و یا کشف شود که شاید مستقیماً ارتباطی با آن پرونده نخست نداشته باشد؛ در اینگونه موارد مقام قضایی (چنانچه بواسطه اختیارات قانونی‌اش موظف به پیگیری پرونده دوم نیز هست)، از توقف رسیدگی به پرونده اول تا زمان کشف تمامی ابعاد پرونده دوم، اجتناب ورزد و رسیدگی به پرونده اول را منوط به تکمیل تحقیقات در پرونده دوم نکند.**

# احضار و جلب اشخاص قبل از ارزیابی ادله تخلف است

■ از بیان و رسانه‌ای کردن مطالب بی دلیل و مدرک اجتناب شود

وی در ادامه به موضوع اظهارنظرهای بی دلیل و سند توسط برخی افراد در ایام انتخابات اشاره کرد و گفت: گاهی مشاهده می‌شود که برخی افراد در رسانه‌ها و در فضای مجازی مسائلی را مطرح کرده و آمارهای عجیب به ویژه مربوط به پرونده‌های قضایی ارائه می‌دهند که صددرصد خلاف واقع است. دادستان کل کشور عنوان کرد: فردی که از صحت اطلاعات خود اطمینان ندارد چگونه به خود اجازه می‌دهد آمار و ارقامی ارائه کند که کاملاً خلاف واقع است؟ اینگونه اظهارات در شرایط و ایام انتخابات شائبه تبلیغاتی بودن آن اظهارات را تقویت می‌کند. همچنین این دست اظهارات نسنجیده ضمن اینکه تبلیغ علیه نظام است امنیت روانی جامعه را نیز مختل می‌کند. دادستان کل کشور افزود: در ایام انتخابات، کاندیداهای محترم دقت و تلاش کنند که اظهار نظر و بیانات آنها مبتنی بر مطالب خلاف واقع علیه اشخاص و نظام نباشد. دادستان کل کشور تصریح کرد: امیدواریم در ایام انتخابات، اقدامات و برنامه‌های همه مسئولان و به ویژه کاندیداهای محترم حول محور امیدآفرینی و هم‌افزایی بوده و کاندیداهای محترم صرفاً به معرفی و اعلان برنامه‌های خود متمرکز شده و متعرض دیگران نشوند.

■ سازمان‌های مربوطه تکلیف دارند قانون حمایت از نوسازی بافت‌های فرسوده را کاملاً اجرا کنند

پیگیری قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری آخرین موضوعی بود که در این جلسه دادستان کل کشور به آن اشاره کرد و گفت: باید این قانون به صورت جدی توسط دستگاه‌های ذی‌ربط اجرایی گردد. بعنوان مدعی العموم موظف هستیم اجرای قانون را پیگیری کرده و از دستگاه‌های متولی اجرای آن را مطالبه کنیم. حجت الاسلام والمسلمین موحدی بیان کرد: اجرای دقیق و درست این قانون نقش مهمی در رفع مشکل مسکن در کشور داشته و دولت می‌تواند در جبران کمبود زمین در شهرها از این قانون کمک بگیرد. اجرای کامل این قانون می‌تواند به تامین بخشی از مسکن مورد نیاز مردم در شهرهای مشمول قانون کمک کند.



اگر فردی با اخطار و احضار در مرجع قضایی حاضر می‌شود دیگر نیازی به صدور حکم جلب نیست؛ مگر اینکه فرد به اخطاریه‌ها بی‌اعتنایی کرده و به اوامر قانونی بی‌توجهی کند. همچنین نباید برای افرادی که بیم فرار ندارند دستور استفاده از دست‌بند و پابند الکترونیک صادر کرد. این موضوع برای قرار بازداشت‌ها هم صادق است و تاکید داریم فردی که با قرار تامین می‌تواند آزاد باشد بازداشت شود.

دادستان کل کشور خاطرنشان کرد: قضات و ضابطین در رفتار و گفتار خود باید شئون اسلامی و اخلاقی را در برخورد با همه اشخاص مراعات کنند. حجت الاسلام موحدی گفت: بنابراین دادستان‌های محترم در سراسر کشور و واحدهای نظارتی قوه قضاییه به این مسئله توجه کرده و بر اجرای صحیح قانون در همه مراحل تاکید و نظارت کنند.

دادستانی کل کشور با تأکید بر لزوم جمع آوری ادله و مدارک قبل از احضار و جلب افراد گفت: یکی از مسائلی که بارها مورد تأکید ریاست قوه قضائیه بوده، رعایت قانون مبنی بر ارزیابی ادله قبل از احضار و جلب اشخاص است. نشست شورای معاونین دادستانی کل کشور با حضور اعضا و به ریاست حجت الاسلام والمسلمین موحدی برگزار شد. در ابتدای این جلسه دادستان کل کشور با تأکید بر لزوم جمع آوری ادله و مدارک قبل از احضار و جلب افراد گفت: یکی از مسائلی که بارها مورد تأکید ریاست معزز قوه قضائیه بوده و در جلسات مختلف به آن اشاره فرموده اند رعایت قانون مبنی بر ارزیابی ادله قبل از احضار و جلب اشخاص است. وی گفت: قانون تصریح دارد که احضار و جلب باید به پشتوانه ادله و مدارک معتبر باشد. تا زمانی که دلایل جمع‌آوری نشده است یا دلایل و مدارک کافی بر توجه اتهام بر مشتکی عنه وجود نداشته باشد نباید فردی به مرجع قضایی احضار شود.

■ لزوم رعایت حقوق فردی و اجتماعی اصحاب پرونده

دادستان کل کشور توضیح داد: هر فردی از جامعه در هر موقعیت و جایگاه اجتماعی که باشد زمانی که مورد شکایت و اتهام قرار گرفت ضمن رسیدگی دقیق به شکایت شاکی باید حقوق اجتماعی و فردی وی نیز رعایت شده و شان و شخصیت فرد حفظ شود. وی با بیان اینکه شکایت شاکی باید با ادله و مدارک باشد گفت: برای اینکه به شکایت فرد شاکی رسیدگی شود باید ادله و مستندات کافی برای ادعای فرد وجود داشته باشد. طبیعتاً اگر مستندات و ادله کافی وجود نداشته باشد و شکایت بدون مدارک لازم باشد شکایت قابلیت رسیدگی نخواهد داشت و نهایتاً منجر به منع تعقیب خواهد شد. حجت الاسلام موحدی عنوان کرد: اگر فردی با اخطار و احضار در مرجع قضایی حاضر می‌شود دیگر نیازی به صدور حکم جلب نیست؛ مگر اینکه فرد به اخطاریه‌ها بی‌اعتنایی کرده و به اوامر قانونی بی‌توجهی کند. همچنین نباید برای افرادی که بیم فرار ندارند دستور استفاده از دست‌بند و پابند الکترونیک صادر کرد. این موضوع برای قرار بازداشت‌ها هم صادق است و تاکید داریم فردی که با قرار تامین می‌تواند آزاد باشد نباید بازداشت شود.

## اعاده دادرسی‌های مکرر برای دستگاه قضا مشکل آفرین است

امام و رهبری، حمایت از مردم مظلوم و ستمدیده فلسطین را وظیفه خود می‌داند؛ امیدواریم نصرت الهی هر چه زودتر نصیب جبهه مقاومت شود.

رئیس دیوان عالی کشور در بخش دیگری از سخنانش خطاب به قضات اظهار داشت: ما در دیوان عالی کشور به عنوان عالیترین مرجع قضایی کشور مسئولیت خطیری برعهده داریم و مردم انتظارات زیادی از ما دارند.

وی با تأکید بر اهمیت توجه به سلامت کار در دستگاه قضایی گفت: مقام معظم رهبری فرمودند «دستگاه قضا در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است»؛ سلامت کار مهمترین عنصری است که در اجرای عدالت حرف اول را می‌زند، اجازه ندهید سفارشات و توصیه‌ها، سر سوزنی در سلامت کارتان اشکال ایجاد کند.

رئیس دیوان عالی کشور ادامه داد: مراقب باشید افراد مسأله دار و واسطه‌گر و کارچاق کن سلامت دستگاه قضایی را خدشه دار نکنند و اجازه ندهید کوچکترین شائبه عدم سلامت، چهره زیبای عدالت خواهی شما را مخدوش کند.

حجت الاسلام والمسلمین منتظری در پایان بر مدیریت پرونده‌های اعاده دادرسی اشاره کرد و گفت: تقاضاهای مکرر اعاده دادرسی در بسیاری از موارد ضرورتی ندارد؛ گاهی فردی در پرونده‌ای ۱۲ مرتبه درخواست اعاده دادرسی مطرح می‌کند، این موضوع برای دستگاه قضایی مشکل آفرین است و باید ساماندهی شود.



تقاضاهای مکرر اعاده دادرسی در بسیاری از موارد ضرورتی ندارد؛ گاهی فردی در پرونده‌ای ۱۲ مرتبه درخواست اعاده دادرسی مطرح می‌کند، این موضوع برای دستگاه قضایی مشکل آفرین است و باید ساماندهی شود.

این رژیم جنایت را در برابر زنان و کودکان و مردم بیمار به اوج خود رسانده است.

وی خاطرنشان نمود: نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس راهبردهای برخاسته از تعالیم قرآن و اهل بیت و هدایت‌های

رئیس دیوان عالی کشور گفت: تقاضاهای مکرر اعاده دادرسی در بسیاری از موارد ضرورت ندارد؛ گاهی فردی در پرونده‌ای ۱۲ مرتبه تقاضای اعاده دادرسی مطرح می‌کند، این موضوع برای دستگاه قضایی مشکل آفرین است و باید ساماندهی شود.

حجت الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری رئیس دیوان عالی کشور، در جلسه هیئت عمومی ضمن تبریک میلاد خجسته حضرت عیسی مسیح (ع) اظهار داشت: حضرت عیسی بن مریم (ع) یکی از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت است که در قرآن به صورت فوق العاده از او تجلیل شده است؛ ولادت حضرت عیسی (ع) را که در بین همه انبیا از خصوصیات ویژه‌ای برخوردار است تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

وی در ادامه شهادت یکی از سرداران جبهه مقاومت شهید سردار سرتیپ پاسدار سید رضی موسوی از مستشاران نظامی با سابقه سپاه در سوریه و از هم‌زمان شهید سردار حاج قاسم سلیمانی را تبریک و تسلیت گفت.

رئیس دیوان عالی کشور با اشاره به خوی وحشیگری رژیم غاصب صهیونیستی در حمله به مردم مظلوم فلسطین تصریح کرد: رژیم سفاک و جنایتکار صهیونیست قریب ۸۰ روز است که جنایاتی را در بخشی از سرزمین امت اسلامی مرتکب می‌شود، جنایاتی که کمتر می‌شود نمونه آن را در تاریخ پیدا کرد.

حجت الاسلام والمسلمین منتظری افزود: وحشیگری رژیم خونخوار و جنایتکار صهیونیست با سلاح‌های پیشرفته‌ای که حامیان آن‌ها در اختیارشان قرار داده‌اند در دنیا بی‌سابقه است و

# سلامت الکترونیکی از منظر حقوق بین الملل

پزشکی و بهداشتی از یک مسافت دور، می‌باشد و از طریق شبکه‌هایی است که انتقال صدا، تصویر و داده‌های رایانه‌ای پشتیبانی می‌کنند.

تعریف سلامت الکترونیکی به عنوان ارائه مراقبت‌های بهداشتی، تشخیص، مشاوره و درمان، انتقال داده‌های پزشکی و آموزش، با استفاده از ویدیوهای تعاملی و ارتباط داده‌ها می‌باشد. سلامت الکترونیکی یک علم توسعه یافته با سرعت فوق العاده است که از طریق ارائه خدمات بهداشتی، در تمامی نقاط دنیا معنا پیدا می‌کند. سلامت الکترونیکی و استفاده از ارتباطات از راه دور، برای ارائه دادن اطلاعات و سرویس‌های بهداشتی و پزشکی تعریف می‌گردد و یا می‌توان سلامت الکترونیکی را به سادگی صحبت کردن متخصصان مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی با بیمار از طریق تلفن تعریف نمود و یا استفاده از زیست فناوری‌های پیشرفته ماهواره‌ای بازگو کرد. به گفته جیم رید در سال ۱۹۹۶ سلامت الکترونیکی استفاده از زیست فناوری ارتباطات از راه دور و پیشرفت این زیست فناوری جهت ارائه خدمات مراقبت‌های سلامت الکترونیکی و استخراج اطلاعات پزشکی و سلامتی بدون محدودیت‌های جغرافیایی، زمانی، اجتماعی و موانع فرهنگی می‌باشد.

انجمن سلامت الکترونیکی آمریکا سلامت الکترونیکی را استفاده از اطلاعات پزشک از سایت‌های مختلف توسط ارتباطات الکترونیکی برای سلامت و آموزش کاربران یا ارائه کنندگان مراقبت‌های بهداشتی و برای اهداف توسعه مراقبت‌های بهداشتی تعریف می‌کند.

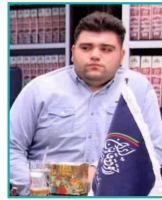
سلامت الکترونیکی علاوه بر اینکه، انتقال بین متخصصین و ارائه کنندگان مراقبت‌های بهداشتی و درمانی می‌باشد، همچنین استفاده از زیست فناوری اطلاعات در ارائه خدمات مراقبت‌های بهداشتی و درمانی بین یک پزشک و یک بیمار را نیز شامل می‌شود.

سلامت الکترونیکی تعدادی از روش‌های درمانی و بهداشتی را مطرح و تعیین می‌کند و در واقع سلامت الکترونیکی، چیزی بیشتر از انتقال اطلاعات از یک سایت به تمام مردم دنیا، در سطح بین المللی نیست.

این را باید بپذیریم که سلامت الکترونیکی به طور واقعی زیست فناوری لایق خودش نیست اما یک تکنیک و فن می‌باشد، که ارائه مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی را به یک حرکت وا می‌دارد و این خدمات را هدایت می‌کند.

ارائه کنندگان مراقبت‌های بهداشتی و درمانی سلامت الکترونیکی، خدمات خود را فقط به منطقه و محدوده خود، محصور نکرده اند، بلکه ارائه خدمات در سطح وسیع و بین المللی ارائه می‌گردد. همانطور که گفتیم پزشکی از راه دور می‌باشد از طریق روش‌های مختلفی انجام گیرد و از طریق یک مباحثه تلفنی ساده و یا کنفرانس‌های ویدیویی و یا کنفرانس‌های ویدیویی و یا استفاده از اقدامات پزشکی، تکنیکی و فنی پیشرفته نیز انجام گیرد. روش‌های پیچیده‌تری هم جهت سرویس‌های بهداشتی سلامت الکترونیکی، وجود دارد که قابل دسترسی هست.

سرویس‌های سلامت الکترونیکی شامل سلامت الکترونیکی و درمان‌های پزشکی و سلامت الکترونیکی و تشخیص‌های پزشکی در سطح عالی می‌باشد که تمامی این روش‌های تخصصی از طریق یک ارتباط اینترنتی با سرعت خیلی زیاد انجام می‌گیرد که ارائه کنندگان سلامت الکترونیکی می‌توانند توسط این زیست فناوری برتر به ارائه خدمات بهداشتی بیماران بپردازند. و پزشکان می‌توانند به صورت آنلاین و برخط در هر جای دنیا که هستند به درمان بیماران در سطح بین المللی مبادرت ورزند. برای مثال: زمانی که ارائه دهنده محلی مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی این زیست فناوری از دستگاه استوتوسکوپ که



دارا افتخاری ملکی  
پژوهشگر دکتری  
حقوق پزشکی



فریده عسکری  
پژوهشگر ارشد  
حقوق خصوصی



جلال احدی  
پژوهشگر ارشد  
حقوق کیفری

**امروزه سلامت الکترونیکی یک حقیقت انکار ناپذیر از تحولات نوین زیست پزشکی می‌باشد. یکی از موضوعات مورد مطالعه در علم پزشکی و علم حقوق می‌باشد که محور مباحث مورد مطالعه آن، استفاده از اطلاعات فردی به فرد دیگر به وسیله ارتباط الکترونیکی جهت بهبود وضعیت سلامت افراد در سطح جهانی از طریق برنامه‌های کاربردی و خدمات زیست فناوری ارتباط از راه دور می‌باشد.**

دنیا در حال تغییر است و همواره با این تغییر، موج جدیدی از زیست فناوری جهت به حداقل رساندن فاصله‌ها، به عنوان یک مانع در خدمات درمانی است، که با کمک پزشکی از راه دور میسر خواهد بود. پزشکی از راه دور امکان دارد توسط دو متخصص سلامتی جهت مباحثه نمودن یک مورد پزشکی به وسیله تلفن به تنهایی و یا مجموعه‌ای از زیست فناوری ماهواره‌ای و یا تجهیزات کنفرانس‌های ویدیویی انجام گیرد و نیز می‌توان از پزشکی از راه دور جهت مشاوره بین متخصصان پزشکی و سلامتی در دو کشور متفاوت به طور هم زمان استفاده کرد. پزشکی از راه دور عموماً به استفاده از ارتباط زیست فناوری‌های اطلاع رسانی جهت ارائه مراقبت‌های کلینیکی و بهداشتی به بیماران اطلاق می‌گردد.

## بیان دوم:

امروزه با توجه به دیدگاه‌ها و کاربردهای مختلف سلامت الکترونیکی، تعاریف بی‌شماری از آن ارائه گردیده، که علم مذکور را توصیف می‌نماید. واژه سلامت الکترونیکی به معنی ارتباطات از مسافت دور است و از نگاه فناوری اطلاعات به معنی فراهم کردن سرویس‌های

تله مدیسین یا سلامت الکترونیکی روش تازه‌ای در مراقبت‌های بهداشتی، تشخیصی و درمانی است که با فرآیندهای الکترونیکی و ارتباطی پشتیبانی می‌شود.

این سازو کار جدید پزشکی شامل کلیه خدمات بهداشتی درمانی است که در چهارچوب پزشکی، سلامت و فناوری اطلاعات قابل دستیابی است و هدف آن دسترسی آسان به مراقبت‌های بهداشتی درمانی، بالا بردن کیفیت خدمات و بهینه سازی شبکه‌های بهداشتی و درمانی در سلامت الکترونیکی است. زمانی که از طریق اینترنت و با استفاده از ایمیل در خصوص یک بیماری از یک پزشک متخصص مشاوره می‌گیریم، درگیر بخشی

از چرخه سلامت الکترونیکی شده ایم. زمانی که یک پزشک به معاینه از راه دور بیمار به کمک ارسال تصاویر رادیولوژی، ارسال سیگنال‌های حیاتی و گزارش‌های متنی و صوتی به شرح حال بیمار می‌پردازد یا به عنوان مثال، با ارائه دستورات به صورت متن یا صوت و حتی در موارد پیشرفته‌تر با انجام اعمال جراحی از راه دور به کمک فرامین مکانیکی توسط پزشک معالج، مبادرت به عمل جراحی می‌کند. این چرخه عملیاتی، سیستم پزشکی از راه دور را شکل می‌دهد.

یکی از شاخصه‌های مهم حقوقی که سنخیت کاملی با موضوع مورد بحث دارد حقوق بین الملل می‌باشد. حقوق بین الملل که در زبان فارسی، بر این شعبه حقوق اطلاق می‌شود، ترجمه‌ای از واژگان در زبان‌های فرانسه و انگلیسی، مصطلح است. در حقیقت، حقوق بین الملل شعبه‌ای از حقوق است و موضوع و هدف آن در اصل، مطالعه ساختمان حقوقی جامعه بشری و نظم دادن به این جامعه بزرگ است که بر فراز گروه‌های کوچک سیاسی، اقتصادی، نژادی، نظامی، مذهبی و پزشکی و غیره قرار دارد. یکی از حوزه‌های تخصصی حقوق بین الملل که مناسبات پزشک و بیمار را در سطح بین الملل مورد مطالعه قرار می‌دهد حقوق بین الملل پزشکی است. از این رو می‌توان گفت که تله مدیسین و سلامت الکترونیکی یکی از موضوعات محوری مورد مطالعه در حقوق بین الملل پزشکی است.

## بیان اول:

امروزه سلامت الکترونیکی یک حقیقت انکار ناپذیر از تحولات نوین زیست پزشکی می‌باشد. یکی از موضوعات مورد مطالعه در علم پزشکی و علم حقوق می‌باشد که محور مباحث مورد مطالعه آن، استفاده از اطلاعات فردی به فرد دیگر به وسیله ارتباط الکترونیکی جهت بهبود وضعیت سلامت افراد در سطح جهانی از طریق برنامه‌های کاربردی و خدمات زیست فناوری ارتباط از راه دور می‌باشد.

سلامت الکترونیکی و مسایل حقوقی آن از جایگاه ویژه‌ای در زندگی امروزه بشری برخوردار است که در ابتدا لازم است کلیات آن مورد مطالعه قرار گیرد.

سلامت الکترونیکی با تعریف میدان خطوط کردن چند رشته‌ای علوم پزشکی، مخابرات، اخلاق، حقوق و.. فضای مجازی به عنوان نشانی از مرز هیچ نمی‌داند.

سلامت الکترونیکی در تقاطع مسایل حقوقی بسیار جهت پرداختن به مسایل مختلف مدارک پزشکی الکترونیکی، استانداردها، تجارت و آزادسازی تجارت در خدمات بهداشتی و درمانی، دسترسی به خدمات بهداشتی و در مانی و اطلاعات با کیفیت بالا در اینترنت می‌باشد.

پزشکی از راه دور به معنای به کارگیری توسعه یافته پزشکی بالینی و کلینیکی که اطلاعات پزشکی به وسیله تلفن، اینترنت و یا شبکه‌های دیگر جهت اهداف مشاوره‌های پزشکی، انتقال اقدامات پزشکی و یا آزمایش‌های پزشکی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در مکان‌هایی صورت می‌گیرد که بتوان این اطلاعات پزشکی - بهداشتی را انتقال داد.



ادامه از صفحه قبل

۳- تشخیص و اجرا نمودن دادرسی پس از بررسی شکایات و ادعاهای قانونی ممکنه بیماران که بر علیه ارائه کنندگان پزشکی از راه دور آورده می‌شود، مهم این است که توجه گردد که به چه دادگاهی می‌توان برای حل مشکل مراجعه نمود و آیا دادگاه‌های مذکور صلاحیت لازم را جهت رسیدگی به این دعاوی دارند؟ و مهم‌تر از آن چه قانونی می‌باشد در مورد آن حکم صادر نماید؟

قبل از پرداختن به تجزیه و تحلیل عمیق دعاوی پزشکی از راه دور و سوق دادن به دادگاه صلاحیت دار، باید تصمیمات لازم را در مورد این موضوعات اتخاذ نماییم، در ابتدا اصول رویه‌های اولیه یک دادگاه توجه کنیم. تشخیص این اصول برای ارائه کنندگان مراقبت‌های بهداشتی بسیار مشکل است که بفهمند منظور از این اصول، مسئولیت‌هایی است که در پزشکی از راه دور وجود دارد، قبل از اینکه قرارداد سلامت الکترونیکی را منعقد کنند و یا این اصول، موارد دیگری می‌باشند که با پزشکی از راه دور در ارتباط می‌باشند.

در مورد قصور پزشکی و یا اشتباهاتی که امکان دارد به وجود آید و یا تقلب در سلامت الکترونیکی مطرح شود. علاوه بر آن، ادعاهای به وجود آمده به تکنیک و فن پزشکی و بهداشتی ارائه کنندگان سلامت الکترونیکی و یا تجهیزات و دستگاه‌هایی که برای انتقال داده‌های بهداشتی و پزشکی در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد مربوط شود.

برای توضیح موارد و دسته بندی آنها را در سه گروه متمرکز می‌کنیم:

۱- مجوز قانونی و یا پروانه قانونی پزشکان در سلامت الکترونیکی.

۲- قصور پزشکی در کشور خود.

۳- ادعاهای قانونی قصور پزشکی در کشورهای مختلف.

### بیان چهارم:

آیین دادرسی حاکم بر موضوع

۱- دادرسی فردی

۲- انتخاب قانون

در جای خاصی در اتاق بیمار قرار گرفته استفاده می‌کنند، قادر خواهد بود ریتم‌ها و ضربان‌های غیر طبیعی قلب بیمار را در هر لحظه چک نماید سلامت الکترونیکی می‌باشد همانند یک پل ارتباطی عمل نماید که خلاءهای موجود بین داشتن و یا نداشتن این سرویس‌های متعدد و بهداشتی درمانی را پر کند که این مسئله میسر نخواهد شد دیگر با ارائه سرویس‌های خدمات بهداشتی و درمانی در سطح وسیع که انجام گیرد. در کنار واژه سلامت الکترونیکی می‌توان به واژه پرونده الکترونیکی اشاره کرد؛ یعنی به کمک سوابق بیمار در بانک‌های اطلاعاتی ایجاد شده توسط مراکز درمانی، پزشک، به راحتی می‌باشد به اطلاعات مورد نظر در هر شرایطی دسترسی داشته باشد.

### بیان سوم:

همانند تلاش‌های تجاری وسیع که در سطح بین‌المللی انجام می‌گیرد، در مورد علم سلامت الکترونیکی نیز می‌توان ادعاهای بی‌شماری از سوی طرف‌های شرکت کننده در سلامت الکترونیکی،

## همزمان با میلاد مسیح (ع)، کلیسا میزبان حقوق‌دانان ایرانی

# وقتی در کلیسا و مسجد می‌شود مشاوره‌ی حقوقی ارائه کرد

### همه ما ایرانی هستیم، چه مسیحی و چه مسلمان

در میان ارائه مشاوره حقوقی به هموطنان شرکت کننده در کلیسا، دیگر وکلا نیز نقطه‌نظرات گوناگونی دارند. شاوردیان نماینده مسیحیان شمال کشور در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «امروز برای اولین بار است که در حوزه حقوقی این میز خدمت را برگزار می‌کنیم. ما از نظر دینی در اقلیت هستیم، اگر نه همه ما ایرانی هستیم. این است که اگر مشکلاتی وجود دارد برای همه است و اگر میز خدمتی وجود دارد، برای همه است.» اقراران، رئیس کمیته حقوق شهروندی شورای اسلامی شهر تهران در میان وکلای حاضر در کلیسا می‌گوید: «اقراران ما در بین اقشار و گروه‌های مختلف از جمله در بین وکلای عزیز، عزیزی را داریم که از هموطنان مسیحی ما هستند و به صورت خاص این عزیزان موضوعات حقوقی را در محاکم نیز دنبال می‌کنند.»

### همت مرکز وکلا، در برگزاری مشاوره‌های حقوقی رایگان

برگزاری مشاوره حقوقی رایگان در کلیسا از سوی مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه در حالی است که این مرکز پیش از این نیز به اراده خدمات مشاوره حقوقی رایگان در مساجد کشور نیز همت گمارده است. آموزش حقوق در مدارس با عنوان زنگ حقوقی نیز از برنامه‌های دیگر این مرکز در خدمت‌رسانی به هموطنان در این زمینه به شمار می‌رود.



تولد حضرت عیسی (ع) و ایام سال نو مسیحی بر آن شدیم که ما وکلا، در کلیسا، به ارائه خدمات حقوقی و در صورت نیاز وکیل معاضدتی به هموطنان عزیز ارامنه و مسیحی بپردازیم.»

### رسالت مرکز وکلا، دفاع از حقوق عامه

وکلا و کارشناسان رسمی مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه که در جلسه حقوقی و میز خدمت مشاوره رسانی به هموطنان مسیحی در کلیسا شرکت کرده‌اند، هر یک نقطه‌نظراتی دارند. نظران، از وکلای مسیحی پایه یک دادگستری که در این میز خدمت شرکت کرده است می‌گوید: «اولین و مهم‌ترین رسالت مرکز دفاع از حقوق عامه و حقوق شهروندی است.»

### ادامه از صفحه اول:

وکلا و کارشناسان رسمی مرکز وکلا و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده به همراه حسن عبدلیان‌پور، رئیس این مرکز، در کلیسای تهران و چهارده استان دیگر حضور پیدا کردند. گزارشی از این اقدام مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، پیش رو قرار دارد، که با هم می‌خوانیم.

### اتفاقی نوین از سوی مرکز وکلا

برگزاری میز خدمت حقوق‌دانان در کلیسا، اتفاق نوین و خجسته‌ای است که مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه بانی آن است. همزمان با سالروز میلاد عیسی مسیح (ع)، جمعی از وکلای مسیحی و مسلمان در کلیسا میز خدمتی راه انداختند تا به مشکلات حقوقی هموطنان مسیحی رسیدگی شود. حضور حقوق‌دانان مسیحی و مسلمان در کلیسا، اقدامی بود که مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، برپا کرد.

در این مشاوره رسانی حقوقی، حسن عبدلیان‌پور نیز حضور داشت. «هموطنان مسیحی همزمان در کلیساهای چهارده استان کشور مشاوره حقوقی دریافت کردند.» این جمله‌ای است که رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه می‌گوید.

حسن عبدلیان‌پور این را نیز اضافه می‌کند: «این روزها به یمن



# استفاده از حقوق به مثابه ابزار جنگی در دستیابی به اهداف غیرمشروع اسرائیل



دکتر جلال الدین شیرزبان  
وکیل پایه یک دادگستری  
عضو مرکز وکلای قوه قضائیه



همان طور که تاریخ گویای آن است، از زمان اشغال سرزمین فلسطین تاکنون، اسرائیل بدون توجه به بیش از ۲۰۰ قطعنامه سازمان ملل متحد همچنان به نقض فاحش حقوق بشر ادامه می‌دهد. مقامات رژیم صهیونیستی این اقدامات را با تکیه بر حمایت‌های ایالات متحده آمریکا انجام می‌دهند. سالهاست که مردم فلسطین در سرزمین خود کشته می‌شوند و مجامع بین‌المللی نیز در قبال جنایات سیستماتیک آنان سکوت می‌کنند. نادیده گرفتن حقوق مشروع مردم فلسطین از سوی برخی از حقوقدانان آمریکایی و حمایت آنان از رژیم غاصب اسرائیل جاده صاف کن اهداف شوم اشغالگران صهیونیست در منطقه است. بدین ترتیب پیامدهای غیرقابل کنترل حمایت‌های نامحدود مالی، تسلیحاتی و عملیاتی کاخ سفید از رژیم تل آویو به عنوان عامل تشدید بحران منجر به گسترش شدت بمباران غیرنظامیان و زنان و کودکان فلسطین در غزه و کرایه باختری شده است.

با وجود گستردگی پذیرش قواعد حقوق بین‌الملل در جامعه بین‌المللی، اسرائیل از سال ۱۹۶۷ «کرانه باختری» West Bank از جمله «بیت المقدس شرقی» East Jerusalem و «غزه» Gaza را که در مجموع «سرزمین اشغالی فلسطین (Occupied Palestinian Territory) (OPT)» را تشکیل می‌دهند، غاصبانه اشغال کرده و برخلاف ادعای آن دولت، خروج نیروهای زمینی اسرائیل از غزه در سال ۲۰۰۵ نه تنها به اشغال غزه پایان نداد، بلکه به دلیل کنترل موثر اسرائیل بر غزه، از جمله «آب‌های سرزمینی» territorial waters و «حریم هوایی» airspace آن، جابه‌جایی افراد و کالاها، و زیرساخت‌هایی که غزه بر آن تکیه دارد، نوار را به «یک زندان در فضای باز» an open-air prison تبدیل کرده است.

پس از حمله گروه شبه نظامی فلسطینی حماس به اسرائیل در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ و اقدامات تلافی‌جویانه ارتش اسرائیل با انجام کارزار گسترده بمباران‌های هوایی حتی علیه اهداف غیرنظامی و تهاجم زمینی گسترده به نوار غزه، بحث‌های زیادی، در مورد «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» international humanitarian law (IHL)، و کاربرد آن در خصوصت‌های کنونی به راه انداخته است.

بدیهی است که امروز کشورهای مسلمان و همه آزادگان عالم تکلیف انسانی و شرعی دارند تا با تلاش حداکثری خود اقداماتی قاطع و در خور توجه برای جلوگیری از این جنایات رژیم صهیونیستی انجام دهند. در رویکرد رئالیستی به حقوق بین‌الملل، هژمون» برای مشروعیت بخشیدن و نهادینه نمودن ارزش‌های خود، نیازمند استفاده از ابزاری نظیر حقوق بین‌الملل است. زیرا ثبات نظم هژمونیک و تداوم وضع موجود می‌تواند بیشترین سود را نصیب او سازد. در دنیای معاصر مشروعیت‌سازی در سایه اجرای قواعد حقوق بین‌الملل، توانسته برای تثبیت موقعیت برتر کشورهای مسلط به نحو کارآمد عمل کند.

حقوقدانان آگاه به خوبی مطلع‌اند که نبرد حقوقی موجود میان حقوقدانان وابسته به استکبار و مدافعان جبهه مقاومت، بیانگر شیوهی راهبردی در استفاده ابزاری از حقوق برای رسیدن به منافع ملی و امنیتی است. به نحوی که همان اهداف یک مخاصمه مسلحانه را با بهره‌گیری از ابزار حقوق برای مشروعیت بخشیدن توسل به زور پیگیری می‌کند.

واقع استکبار در نبرد حقوقی، از خلاءهای موجود حقوق بین‌الملل سوءاستفاده می‌کند تا بتواند بیشترین آسیب را به طرف مقابل وارد کند.

نوشتار زیر ترجمه مقاله‌ای است که توسط «دیوید جی شفر» David J. Scheffer با عنوان «حقوق بین‌الملل در مورد جنگ اسرائیل و حماس چه می‌گوید»؟

## What International Law Has to Say About the Israel-Hamas War

بعد از عملیات طوفان الاقصی در ۱۹ اکتبر ۲۰۲۳ در سایت Council on Foreign Relations منتشر شده، نمونه‌ای از نادیده گرفتن حقوق تضییع شده ی مردم فلسطین از سوی تعدادی از حقوقدانان آمریکایی و حمایت حقوقی آنان از رژیم غاصب اسرائیل است. که به جهت آشنایی با شیوه نگرش ایشان به جنگ غزه و نحوه استدلال و رویکردی که در استفاده از قواعد حقوق بین‌الملل دارند، در راستای تقویت پاسخ‌های لازم جبهه مقاومت، در دفاع حقوقی از مردم

حقوقدانان آگاه به خوبی مطلع‌اند که نبرد حقوقی موجود میان حقوقدانان وابسته به استکبار و مدافعان جبهه مقاومت، بیانگر شیوهی راهبردی در استفاده ابزاری از حقوق برای رسیدن به منافع ملی و امنیتی است. به نحوی که همان اهداف یک مخاصمه مسلحانه را با بهره‌گیری از ابزار حقوق برای مشروعیت بخشیدن توسل به زور پیگیری می‌کند. در واقع استکبار در نبرد حقوقی، از خلاءهای موجود حقوق بین‌الملل سوءاستفاده می‌کند تا بتواند بیشترین آسیب را به طرف مقابل وارد کند.

مسلمان فلسطین در مقابل تجاوزات آشکار اسرائیل از قواعد عام الشمول حقوق بین‌الملل تقدیم می‌شود.

«دیوید جی شفر» متولد ۱۹۵۳ یک وکیل و دیپلمات آمریکایی است که در دوره دوم ریاست جمهوری بیل کلینتون به عنوان نماینده ایالات متحده در امور جنایات جنگی در سازمان ملل خدمت کرد. او استاد دانشگاه ایالتی آریزونا و از اعضای ارشد شورای روابط خارجی (CFR) با تمرکز بر حقوق بین‌الملل و عدالت کیفری بین‌المللی است. شفر مدیربازنشسته مرکز بین‌المللی حقوق بشر در دانشکده حقوق دانشگاه نورث وسترن پریترزکر آمریکا است. وی در ۲۰۲۰-۲۰۲۲ نایب رئیس انجمن حقوق بین‌الملل آمریکا بوده و از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ کارشناس ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در زمینه کمک‌های سازمان ملل به «دادگاه خمرسرخ» Khmer Rouge Trials بوده است. «دادگاه خمرسرخ» یک دادگاه تلفیقی داخلی و بین‌المللی ویژه کامبوج بود که در سال ۲۰۰۷ با همکاری سازمان ملل به منظور محاکمه سران خمرسرخ و دیگر مسئولان نسل‌کشی کامبوج تشکیل شد. نهایتاً دادگاه «ویژه کامبوج» اعلام کرد که «خیو سامفان»، Khieu Samphan رئیس جمهوری سابق جمهوری دموکراتیک کامبوج و «نون چها» Nuon Chea مشهور به «برادر شماره دو»، مشاور «پل پوت» Pol Pot و ایدئولوگ ارشد در دوران خمرهای سرخ به اتهام نسل‌کشی مسلمانان «چام» و همچنین کشتار در ویتمام و جنایت علیه بشریت مجرم شناخته شده و به حبس ابد محکوم شدند.

«جرائمی که حماس در ۷ اکتبر علیه اسرائیل مرتکب شد، موجی از شوک را در سراسر جهان وارد کرد و دولت اسرائیل را بر آن داشت تا جنگی با ابعاد و ماهیت هنوز نامعلوم علیه «گروه مبارز فلسطینی» Palestinian militant group آغاز کند.

عملیات نظامی اسرائیل در نوار غزه به دنبال تحقق اهداف متعددی از جمله نابودی حماس و «نجات گروگان‌ها» rescue of hostages است که به شدت توسط حقوق بین‌الملل مقررات‌گذاری شده است. رعایت این «حریم‌های قانونی» legal guardrails، همانطور که اسرائیل اعلام کرده، مناقشه را پیچیده و مخاطره‌آمیز خواهد کرد، به ویژه به این دلیل که اقدامات اسرائیل

غیرنظامی غزه به عنوان «سلاح جنگی» weapon of war علیه حماس یا به هر دلیلی استفاده کند. باید تمام گام‌های ممکن را بردارد تا فقط شبه نظامیان حماس و «زیرساخت‌های نظامی آنها» their military infrastructure را هدف قرار دهد و تلفات غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی را به حداقل برساند. عملیات هوایی و توپخانه اسرائیل و همچنین جنگ زمینی آن باید بر اساس اصول حقوقی تغییرناپذیر «انسانیت» humanity، «تمایز» distinction، «تناسب» proportionality و «ضرورت نظامی» military necessity هدایت شود.

اسرائیل باید امکان بازگشت «غیرنظامیان آواره» displaced civilians پس از درگیری را فراهم کند. در حالی که «تخلیه موقت» temporary evacuation غیرنظامیان از یک «جبهه نبرد» theater of combat ممکن است به صورت قانونی درخواست شود، «جابجایی دائمی» permanently displace غیرنظامیان از خانه‌هایشان غیرقانونی است. شرایط امروز غزه برای «صدها هزار غیرنظامی فلسطینی» hundreds of thousands of Palestinian civilians «سختی‌های عظیمی» enormous hardship ایجاد کرده و اسرائیل باید اقداماتی را برای بهبود این شرایط دشوار اتخاذ کند. سفرهای «جو بایدن» Joe Biden، رئیس جمهور ایالات متحده و «آنتونی بلینکن» Antony Blinken، وزیر امور خارجه ایالات متحده به خاورمیانه در این هفته تا حدی بر آنچه اسرائیل و سایر کشورها و سازمان‌ها می‌توانند برای رسیدگی به «وضعیت اسفناک انسانی فلسطینیان» humanitarian plight of Palestinians در غزه انجام دهند، متمرکز بود.

### ■ «نجات گروگان‌ها» Rescuing Hostages

یکی دیگر از اهداف مهم اسرائیل، نجات یا آزادی تقریباً دویست گروگان اسرائیلی، آمریکایی و دیگر گروگان‌های خارجی است. گروگان‌گیری حماس از خاک اسرائیل و استفاده غیرقانونی از آنها به عنوان «سپر انسانی» human shields در غزه با شرایط مخاطره‌آمیز زندگی» life-imperiling conditions، چالش‌های خاصی را برای اقدام نظامی اسرائیل ایجاد کرده است. اگر حماس «گروگان‌گیری» taken hostages نمی‌کرد، استراتژی اسرائیل برای مقابله با این گروه شبه نظامی ممکن بود متفاوت باشد. اگرچه در میان «حقوقدانان بین‌المللی» international lawyers و دولت‌ها بحث‌های زیادی وجود دارد، اما این «حق قانونی» legal right برای کشورها وجود دارد که از زور برای «نجات گروگان‌ها» rescue hostages استفاده کنند، تا زمانی که اقدامات آنها «چهار معیار» four criteria را داشته باشد:

- بسیاری از گروگان‌ها، به ویژه در طی یک حمله مسلحانه دستگیر شوند. (همانطور که در ۷ اکتبر رخ داد)،  
- اقدام ضرورت داشته باشد. («تهدید به خشونت» threat of violence علیه گروگان‌های حماس وجود دارد و گزینه‌های غیراجباری استرداد، مانند توافق با این گروه ممکن است بی‌فایده باشد)،  
- اقدام فوریت داشته باشد. (آزادی سریع با مذاکره امکان پذیر نیست و به نظر می‌رسد سرنوشت گروگان‌ها هر روز بدتر می‌شود) و

- استفاده از زور متناسب باشد. (نجات گروگان‌ها فقط با استفاده از سطحی از نیروی مسلح ممکن است).

«معیارنهایی تناسب» final criterion of proportionality با تهاجم مورد انتظار اسرائیل به غزه جایگزین خواهد شد، زیرا این مداخله تحت «حق دفاع مشروع» right of self-defense برای هدفی بسیار بزرگ‌تر و نه فقط برای نجات گروگان‌ها انجام می‌شود.

هر بحثی که ممکن است در مورد «تشکیل کشور فلسطین» Palestinian statehood، «قابل اجرا بودن معاهدات مختلف» applicability of various treaties و اینکه آیا اسرائیل یک قدرت اشغالگر غزه است، اسرائیل باید مراقب باشد که از «الزامات قدرتمند» powerful requirements حقوق بین‌الملل عرفی پیروی کند، زیرا [مدعی است که] از خود در برابر حماس دفاع می‌کند و به دنبال نجات گروگان‌ها است.»

این ماده نه تنها ایالات متحده بلکه اسرائیل را نیز ملزم به رعایت خواهد بود. این امر مستلزم آن است که با افرادی که توسط یک «قدرت رزمی» combatant power نگهداری می‌شوند در هر شرایطی رفتاری انسانی صورت گیرد و فهرست دقیقی از «رفتار ممنوع» prohibited conduct ارائه شود.

تعداد زیادی از قضات دیوان عالی در تصمیم سال ۲۰۰۶ بر کاربرد متعارف ماده ۷۵ تأکید کردند. فلسطین هر سه پروتکل را تصویب کرده است، بنابراین به عنوان یک کشور عضو، به طور «غیرقابل انکاری» undeniably به شرایط آنها متعهد است. حماس، به ویژه به عنوان یک مرجع بالفعل حاکم در فلسطین (یعنی غزه) با کنترل نیروهای شبه نظامی خود، به عنوان بخشی از دولت فلسطین موظف است از کنوانسیون‌های ژنو و «پروتکل‌های سه گانه آن» its three protocols «تبعیت» comply کند.

دولت فلسطین همچنین یکی از کشورهای عضو اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) است که به این معنی است که رهبران و کارکنان حماس می‌توانند در قبال ارتکاب نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت یا جنایات جنگی برای مثال در مورد قلمرو اسرائیل یا در غزه پاسخگو باشند. اسرائیل، مانند ایالات متحده و ده‌ها کشور دیگر، یکی از «کشورهای عضو اساسنامه رم» state party of the Rome Statute نیست، اما «دادستان دیوان بین‌المللی کیفری» ICC prosecutor، اقدامات نظامی آن در غزه، قلمرو یکی از کشورهای عضو را مورد بررسی قرار خواهد داد.

### ■ «دفاع مشروع اسرائیل» Israel's Self-Defense

اهداف اصلی اسرائیل دفاع از خود در پاسخ به حملات حماس و «تضمین امنیت آینده» ensuring the future security اسرائیل است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اقدامات دفاع «ذاتی» inherent از خود را که از حقوق بین‌الملل عرفی ناشی می‌شود، را مجاز می‌داند و این حق را محدود به اقدامات علیه نیروهای مسلح متعارف یک کشور دیگر نمی‌کند. «شورای امنیت سازمان ملل متحد» UN Security Council می‌تواند هر اقدامی برای «تقویت» reinforce یا «محدود کردن» circumscribe این حق دفاع از خود انجام دهد و صرف نظر از این که این شورا مدت‌هاست که اساساً به دلیل شکاف بین «اعضای دائمی غربی» Western permanent members و دو طرف روسیه و چین فلج شده است. همانطور که در جلسه بی‌نتیجه‌ی شورا در ۱۶ اکتبر به خوبی این موضوع نشان داده شد.

هدف اعلام شده دولت برای پایان دادن به حماس، عمیقاً با «اقدامات دفاعی» defense measures اسرائیل مرتبط است. حقوق بین‌الملل به صراحت «استفاده از زور» use of force را برای از بین بردن سازمانی مانند حماس که اسرائیل، ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر آن را یک «گروه تروریستی» terrorist group می‌دانند، ممنوع نمی‌کند. با این حال، همچنان مهم است که استفاده اسرائیل از زور برای دستیابی به این هدف، از «حق دفاع از خود» right of self-defense بر اساس منشور سازمان ملل و مطابق با «حقوق مخصصات مسلحانه» law of armed conflict و «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» international humanitarian law باشد.

### ■ اسرائیل برای رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه چه باید بکند؟

What should Israel do to comply with international humanitarian law? اسرائیل «تعهدات حقوقی اساسی» fundamental legal obligations دارد که باید در طول کارزار خود علیه حماس به آن پایبند باشد. «اظهارات پر اتهام» charged statements برخی از مقامات اسرائیلی باید از «سیاست حقوقی صحیح» sound legal policy جدا شود. به طور خلاصه، اسرائیل باید چندین استاندارد را رعایت کند: این کشور نباید از گرسنگی (از جمله «محرومیت از غذا» deprivation of food، آب و «سایر موارد ضروری برای بقا» other essentials for survival) جمعیت

توسط ناظران مختلف از جمله «دولت‌های دیگر» other governments، «سازمان ملل»، United Nations، «دیوان بین‌المللی کیفری» International Criminal Court، «دانشمندان حقوقی» legal scholars، «جامعه مدنی» civil society و عموم مردم. مورد بررسی قرار خواهد گرفت. «تعداد زیاد تلفات غیرنظامیان» large number of civilian casualties در انفجار آتشین در یک بیمارستان غزه نشان داده است که چگونه «یک جنگ بدون محدودیت» an unconstrained war می‌تواند «تلفات انسانی وحشتناک» grim human toll داشته باشد.

### ■ «جنایات جنگی حماس» Hamas's War Crimes

کشتار حداقل ۱۴۰۰ غیرنظامی اسرائیلی (از جمله کودکان) توسط حماس در جریان «حمله غافلگیرانه» surprise attack خود به خاک اسرائیل، نقض مقررات «حقوق بین‌الملل بشردوستانه» international humanitarian law است که برای «محافظت از غیرنظامیان» protect civilians و «دارایی آنها» their property در طول جنگ طراحی شده است. آنها شامل ماده ۳ مشترک «کنوانسیون ژنو» Geneva Conventions ۱۹۴۹ هستند که رفتار انسانی با «غیرنظامیان» civilians و «غیررزمندگان» noncombatants را ایجاب می‌کند. ماده ۵۱ پروتکل یک کنوانسیون که از مردم غیرنظامی در برابر حمله محافظت می‌کند. و مجموعه‌ای از مقررات در مورد جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در مواد ۷ و ۸ اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری (ICC)، که «بازتاب» reflect «حقوق بین‌المللی عرفی» customary international law است و در مورد «رهبران و مبارزان حماس» Hamas leaders and fighters اعمال می‌شود. علاوه بر این، «حملات موشکی مستمر و بدون تبعیض حماس» Hamas's continuous, indiscriminate rocket attacks علیه اهداف اسرائیلی، ساختارها و افراد غیرنظامی را در معرض خطر قرار می‌دهد و همچنین این مفاد معاهده و «حقوق بین‌الملل عرفی» را نقض می‌کند.

### ■ آیا حماس تحت پوشش حقوق بین‌الملل است؟

#### Is Hamas covered by international law?

همچنان بحث‌های تنش‌آمیزی بین دولت‌ها و محققان حقوقی درباره اعمال «زمینه‌های مختلف» various fields حقوق بین‌الملل در مورد «بازیگران غیردولتی» nonstate actors مانند حماس وجود دارد، از جمله سؤالاتی در مورد «تعهدات حقوقی» legal obligations دولت‌هایی که این بازیگران با آنها در «ستیز» conflict هستند.

به عنوان مثال، در ایالات متحده، دولت «جورج دبلیو بوش» George W. Bush در جریان به اصطلاح «جنگ علیه تروریسم» war on terrorism که پس از ۱۱ سپتامبر به وقوع پیوست، استدلال «سیاه چاله قانونی» legal black hole را مطرح کرد و ادعا کرد که «القاعده» al-Qaeda و «طالبان» Taliban بازیگران غیردولتی هستند و بنابراین توسط کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو حمایت unprotected نمی‌شوند. با این حال، «دادگاه عالی ایالات متحده» U.S. Supreme Court در سال ۲۰۰۶ این استدلال قانونی را «بی‌اعتبار» discredited کرد و حکم داد که ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌ها در مورد جنگ ایالات متحده با القاعده اعمال می‌شود.

اسرائیل و «دولت فلسطین» که توسط اکثر کشورها به عنوان متشکل از «کرانه باختری» West Bank، «غزه» Gaza و «بیت‌المقدس شرقی» East Jerusalem به رسمیت شناخته شده است، طرف‌های تصویب کننده‌ی چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ هستند. اسرائیل پروتکل‌های اول و دوم کنوانسیون‌ها را تصویب نکرده که در سال ۱۹۷۷ حفاظت بیشتر از «غیرنظامیان» civilians، «اموال» property و «محیط زیست» environment در طول جنگ را تنظیم کرده است.

یکی از مفاد بارز ماده ۷۵ پروتکل یک است که واشنگتن مدت‌هاست آن را بخشی از «حقوق بین‌الملل عرفی» customary international law می‌داند. مطابق

در نشست تخصصی آسیب شناسی معضلات حوزه کارشناسان رسمی مطرح شد

# کارشناسان رسمی بخشی از یک حلقه تاثیرگذار در تسریع یا اطاله دادرسی هستند

کارشناسان رسمی دادگستری می‌توانند در تسهیل فرایندها به قوه قضاییه کمک کنند



مضمون و محتوای مشخص به فردی غیرمتخصص برای کارشناسی ارجاع شود، سبب تأخیر در رسیدگی و هزینه‌زایی برای مردم و دادگستری می‌گردد. وی همچنین به کلیه قضات دستور داد تا در مفاد گزارش‌های ارجاعی کارشناسی نهایت دقت و امعان نظر را داشته باشند چرا که بعضاً نظریات کارشناسی، درست و صحیح هستند، اما عدم دقت قاضی و برداشت ناصواب او سبب نقض حکم صادره در مرجع بالاتر می‌گردد و همین امر اطاله دادرسی را در پی دارد.

در همین راستا نشست تخصصی آسیب شناسی معضلات حوزه کارشناسان رسمی دادگستری با حضور شاهپور کلانتری معاون کارشناسان رسمی مرکز وکلای کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه، بهرام حسن زاده مدیرکل آموزش و پژوهش سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، حمید مدنی رئیس کمیسیون روابط عمومی شورای عالی کارشناسان رسمی و محمد حسن ادیب، محمد علی بیداری کارشناسان رسمی دادگستری و سمیه صداقت کارشناس رسمی دادگستری و دبیر نشست در خبرگزاری میزان برگزار شد.

نشست تخصصی آسیب شناسی معضلات حوزه کارشناسان رسمی در پرونده‌ها قضایی برگزار شد. خبرگزاری میزان- اهمیت کار کارشناسان رسمی دادگستری بر کسی پوشیده نیست نقش کارشناسان رسمی در کنار قاضی و وکیل در تحقق عدالت همواره مورد تاکید است. همواره صدور احکام قضایی بر پایه نظرات کارشناسی انجام می‌شود از این رو کارشناسان رسمی دادگستری بازوی توانمند دستگاه قضایی هستند.

همانگونه که کارشناسان رسمی دادگستری می‌توانند به پیشبرد عدالت در جامعه کمک و موجبات تحقق عدالت و احساس رضایت را برای شهروندان فراهم آورد گاهی مشاهده می‌شود که برخی از معضلات موجود در دستگاه قضایی نیز از جمله اطاله دادرسی و افزایش ورودی پرونده‌ها نیز به نتیجه کار آنها نسبت داده می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضاییه یکی دیگر از مشکلات در حوزه کارشناسی‌های قضایی را ارجاع به فرد غیرمتخصص یا دارای تخصص کم دانست و گفت: پرونده‌های قضایی با عنایت به مفاد و مندرجاتی که دارند باید به کارشناسان همان حوزه‌ی مرتبط ارجاع شوند؛ اینکه پرونده‌ای با یک

می‌کند و در انتقان بودن رای نیز موثر است.

## ■ عدم تطابق کار کارشناسی با میزان دستمزد

دستمزد یک کارشناس در شهرها و کلان شهرها باید حداقل ۸۰۰ هزار تومان باشد، شما حساب کنید این کارشناس چندین مرتبه باید هزینه ایاب و ذهاب بدهد و با چند رفت و آمد به دادگاه و محل هزینه‌های را متحمل می‌شود که این دستمزد را برای اون مقرون به صرفه نمی‌کند، و در این راستا نیاز است تا قضات پرونده حداقل تعرفه را رعایت کنند.

## ■ عدم دانش کافی کارشناسان

عدم دانش کافی کارشناس سبب تطویل موضوع می‌شود کارشناسی موضوعی را نمی‌داند و این سبب می‌شود پرونده‌ها با نظریات بسیار ضعیفی بررسی شوند و قاضی هم، چون علم فنی ندارد نمی‌تواند به درستی رای صادر کند توجه کنید که ۹۰ درصد آرای قضات همان چیزی است که در نظرات کارشناسی است. پس تسلط کارشناس به دانش فنی مورد نیاز بسیار مهم است.

## ■ عدم همکاری لازم بین هیئت کارشناسی

متأسفانه هیئت‌های کارشناسی به نحوی شده است که در هیئت‌ها تنها یک نفر می‌رود محل را می‌بیند یک نفر مدارک را می‌بیند بقیه کاری انجام نمی‌دهند، که با این موضوع باید به طور جدی برخورد شود.

## ■ عدم تطابق محل سکونت کارشناس با محل کارشناسی

دیده می‌شود که ابلاغی برای فردی می‌آید که در خارج از محل زندگی او است، در حالی که در هر منطقه باید از کارشناسان آن حوزه جغرافیایی استفاده شود در غیر اینصورت کاهش سطح علمی کارشناسان آن نقطه جغرافیایی را فراهم می‌کند.

آن هم به شعبات مربوط است. در علت اطاله دادرسی می‌توان نقص در مدارک فنی مورد نیاز جهت اجرای کارشناسی را برشمیریم، به کرات مشاهده شده است زمانی که ارجاع کاری از یکی از شعبات دادگاه از دادگاه و نهادهای غیر قضایی انجام می‌شود یک پرونده با دو برگ است و کارشناس مجبور است درخواست مدارک دهد و از همان لحظه ابلاغ به کارشناس شروع روند قرار کارشناسی است و جز زمان کارشناسی محسوب می‌شود.

## ■ عدم حدود صلاحیت‌های فنی در ارجاع امور کارشناسی

توجه کنید که گاهی قراری از دادگاه صادر می‌شود و کارشناسی ورود پیدا می‌کند که صلاحیتی برای این پرونده ندارد، از زمانی که ابلاغ صادر می‌شود تا زمانی که کارشناس اعلام می‌کند که صلاحیت ندارد زمان زیادی هدر می‌رود تا کارشناس دیگری انتخاب شود.

## ■ عدم دسترسی کارشناس به مفاد قرار صادره به صورت سیستمی

آنچه در سامانه ادلیران و ابلاغ برای ما مشخص می‌شود یک برگ مشترک است، کارشناس مجبور است به شعبه مراجعه قرار را بخواند تا متوجه شود این قرار در صلاحیت او هست یا نه و اگر هست پیگیری کند و اگر نیست دوباره به صورت سیستمی اعلام کند که این در صلاحیت من نیست اگر حداقل قرار کارشناسی برای کارشناس ارسال شود این معضلات پیش نخواهد آمد.

## ■ عدم دسترسی کارشناس به مستندات

کارشناس وقتی قراری را روبروی خود می‌بیند به چند چیز نیاز دارد که در نامه نگاری‌ها می‌گویند بحث حفاظت در میان است، دسترسی به سوابق ثبتی اگر برای کارشناس محقق شود بسیاری از این موضوعات کاهش می‌یابد و اطاله نیز کاهش پیدا

## شاهپور کلانتری معاون کارشناسان رسمی مرکز وکلای

کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه: در حوزه کارشناسی تداخل شرح وظایف و صلاحیت بین رشته‌های کارشناسی همچنان باقی است و این موضوع در مرکز کارشناسان اثری بود که به ما رسیده و عملاً با نیازهای روز همخوانی ندارد از این رو نیاز است یکسان سازی صلاحیت‌ها انجام شود.

تعداد رشته‌های کارشناسی در مرکز ۶۳ رشته است که برخی با رشته‌های کانون کارشناسان مثل امور ثبتی و نقشه برداری ادغام شده است چرا که در برخی رشته‌ها کاری برای انجام نداشته ایم برخی از این رشته‌ها شامل سرود، تمبر، آمار و.. است این رشته‌ها چون کم متقاضی بودند کاری برای انجام ارجاع نمی‌شد به همین دلیل با هم ادغام کردیم.

بروزرسانی صلاحیت‌ها و وحدت رویه برای کاهش اختلافات نظریات کارشناسی از مدت‌ها قبل آغاز و در کمیته مشترک بین مرکز و شورای عالی کانون انجام شده است که امیدواریم با توافق و امضای روسای دو طرف جامع عمل به آن‌ها پوشانده شود. با توجه به اینکه در مورد نحوه کار نظام نامه‌های نام‌های نیز تدوین تلاش مرکز و شورای عالی کارشناسان نظام نامه‌ای نیز تدوین شد.

متأسفانه آنچه که در مورد ارجاع هوشمند بحث می‌شود در حال حاضر یک شوخی است وقتی عملی می‌شود که سیستم تجربه پیدا کند و عملیاتی شدن آن زمان می‌برد، در این راستا مرکز مافا زحمات زیادی را متقبل شده، اما از ابتدای سال این سامانه قطع و موجب تلنبار شدن پرونده‌ها شده که این موضوع سبب شده انجام کار به صورت دستی باشد.

## ■ نسبت دادن اطاله به کارشناسان ظلم در حق آنها است

ظلم بزرگی به کارشناسان شده است و اطاله دادرسی را به قرارهای کارشناسان نسبت می‌دهند در حالیکه ۲۸ درصد از مجموع اطاله عملاً به کارشناسان مربوط است که پنجاه درصد



ادامه از صفحه قبل:

## عدم ممیزی گزارشات کارشناسی

نظر کارشناسی یک نظر مستقل است، اما عدم ممیزی فاجعه اختلافات فاحش را ایجاد می‌کند. ممیزی یک نظر و پیشنهاد ارشادی است و سبب رفع ایراد و پیشنهاداتی می‌شود رفت و آمد نظرات کارگاه عملی است. در سامانه ما کارشناسی‌ها بی نام به ممیزی ورود پیدا می‌کنند و نظام نامه‌های نیز در این خصوص داریم.

## اهتمام و توجه کارشناسان به اجرای قرار کارشناسی در مهلت تعیین شده

به عنوان راهکار و پیشنهاد باید بگوییم که تعدادی از کارشناسان یک موضوع کارشناسی را به اندازه‌ای تطویل می‌دهند که گاهی دیده می‌شود یک طرف پرونده فوت می‌شود اگر کارشناسی در زمان مقرر انجام شود دچار اطاله نخواهیم شد.

## ارتقاء کیفیت کارشناسی از اطلاع دادرسی جلوگیری می‌کند

وقتی کارشناسان اولیه گزارشی می‌دهد و یکی از طرفین پرونده حقوقی باشند و اعتراض به نظر کارشناسی کنند قضات هم بلافاصله قبول کنند این اعتراض را ارجاع به هیئت بالاتر دهند اطلاع دادرسی را کاهش می‌دهد. اخذ توضیح از کارشناس می‌تواند بیش از ۵۰ درصد از ارجاعات به هیئت‌های بالاتر را متوقف کند. یکی از دلایلی که در سند تحول قضایی بحث موسسات کارشناسی مطرح شد این موضوع بود که به نوعی از رفت و برگشت‌های پرونده در هیئت‌های یک نفره و سه نفره و گاهی هیئت ۱۵ نفره هم جلوگیری شود و سال‌ها باعث اطاله نشود.

## الزام کارشناسان به حضور در جلسات اجرای قرار کارشناسی

یکی از مواردی که می‌شود کارشناسان را تشویق و الزام به انجام سریعتر قرار کرد این است که برخی از شعب در وقت مقرر از کارشناسان به ویژه کارشناسان هیئتی درخواست کنند که در ساعت و روز مقرر در شعبه حاضر شوند. وقتی آن‌ها حاضر شدند با متقاضی راهی محل برای بازدید شوند که این موجب تسریع کار خواهد شد.

## ایجاد بستر لازم برای قرار کارشناسی

پیگیری طرفین پرونده و هماهنگی برای همکاری طرفین سریعاً به دادگاه اعلام شود، پیگیری طرفین پرونده سبب پیگیری هر چه سریعتر کارشناسی نیز می‌شود. از پذیرفتن عذر غیر موجه و انصراف کارشناسان اجتناب شود و کارشناسان رفتاری که به نوعی نشان دهنده جانبداری از یکی از طرفین پرونده است بپرهیزند.

## بهرام حسن‌زاده مدیر کل آموزش و پژوهش سازمان

**ثبت اسناد و املاک کشور:** مباحث مربوط به حوزه ثبت اسناد و املاک کشور گستردگی بسیار فراوانی مخصوصاً در حوزه املاک، ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری، ثبت مالکیت صنعتی، ثبت اختراعات، علائم تجاری، اسم تجاری و طرح‌های صنعتی را دارد. از طرف دیگر در اجرای مفاد اسناد رسمی تمام این فرایندهای ثبتی سازمان ثبت اسناد به نحوی با موضوع کارشناسی رسمی دادگستری ارتباط نزدیکی دارد.

اثرگذاری که کارشناس رسمی دادگستری می‌تواند برای ثبت داشته باشد از چند جنبه حائز اهمیت است اولین مورد موضوع صحت سنجی و بخشی به اسناد در حوزه‌های مختلف است همچنین مواردی مانند ثبت شرکت‌ها که می‌تواند از ثبت شرکت‌های صوری جلوگیری کند. در حوزه مربوط به ثبت اشخاص حقوقی ثبت شرکت‌ها قوانین و مقررات متعددی وجود دارد که برای صحت اطلاعات، صحت داده‌ها و محتویات ثبتی نیاز داریم که حتماً از وجود کارشناسان رسمی دادگستری استفاده کنیم. به طور مثال در ادغام و تبدیل شرکت‌ها همچنین در موضوعی مربوط به تقویم ارزیابی اموال و دارایی شرکت در زمان تاسیس کارشناسان رسمی دادگستری استفاده می‌کنیم.

اموال و دارایی‌ها دارای ماهیت‌های مختلفی هستند، اموال منقول دارایی‌های نامشهود هستند، در زمان ثبت، تاسیس و تغییرات افزایش سرمایه قطعاً تقویم و ارزیابی این دارایی‌ها تنها توسط یک کارشناس امکان‌پذیر نیست. برای مبارزه با شرکت‌های صوری استفاده شد طبق بخشنامه‌ای که از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صادر شد در مرحله تاسیس شرکت‌ها تقویم ارزیابی در تمام انواع شرکت‌ها نیاز است که

## اسناد در تسهیل این فرایندها کمک کنند

یکی از مراجع خیلی تخصصی دیگری که در حوزه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار دارد بحث ثبت مالکیت‌های معنوی، مالکیت‌های صنعتی، ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، ثبت علائم و اسامی تجاری است که کارشناسان رسمی دادگستری می‌توانند به سازمان ثبت اسناد در تسهیل این فرایندها کمک کنند مخصوصاً در ثبت اختراعات که همکاران سازمان ثبت اسناد و املاک آشنایی کاملی با نوع اختراعات و با توجه به گستردگی که اختراعات دارند ندارند براین به دستگاه‌های مختلف ارجاع می‌دهند و دستگاه‌ها به کارشناسان رسمی دادگستری ارجاع می‌دهند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در حدود ۳ سال اخیر به سمت فرایند الکترونیکی شدن و هوشمندسازی پیش‌رفته است و اینکه می‌توانیم با همکاری کانون کارشناسان رسمی و مرکز وکلا و کارشناسان قوه قضاییه این موضوع را به نحو بهتری پیش ببریم.

بسیاری از فرایندها می‌تواند به کارشناسان رسمی دادگستری داده شود چرا که ماهیت ثبت ملک است، خصوصاً در حوزه املاک، ثبت مالک خیلی از این فرایندها را می‌توانیم در حوزه نقشه برداری ارزیابی، احراز تصرف، احراز مالکیت را به کارشناس رسمی دادگستری بدهیم، اما نه با آن رویکردی که به سازمان نظام مهندسی داریم.

با توجه به اینکه شهروندان از سازمان نظام مهندسی بسیار گله‌مندند مثلاً در یک نقشه‌ای که مثلاً نهایت ۲ میلیون تومان هزینه دارد از ارباب رجوع تا ۱۰۰ میلیون تومان پول نقشه دریافت می‌کنند بنابراین در باز طراحی و بازبینی سامانه‌ها باید به نحوی این کارها را انجام دهیم تا دسترسی آسان به پرونده‌ها فراهم شود و اعلام نظر نیز به صورت الکترونیکی صورت گیرد. در اختلاف میان جامعه حسابداران رسمی یا حسابرسی با صلاحیت‌های مربوط به کارشناسان رسمی دادگستری است و جامعه حسابداران رسمی ۶ هزار نفر بیشتر نیستند، پیشنهاد داده ایم که از کارشناسان رسمی در این زمینه استفاده کنند، ولی تفاهم میان مسئول این دو مجموعه صورت نگرفته است و خواهشمندم از این ظرفیت استفاده شود و حداقل از کارشناسان رسمی دادگستری در استان‌هایی که عضو جامعه حسابداران رسمی کم است یا وجود ندارد بهره گرفته شود.

به عنوان پیشنهاد باید بگویم ایجاد موسسات کارشناسی و اینکه کار به یک موسسه سپرده شود تا در حوزه مالی، حوزه نقشه برداری، حوزه ثبتی و حوزه‌های مختلف ظرف ۵ الی ۱۰ روز کار را به سرانجام برسانند.

## مدنی دبیر شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری:

اکنون فرایند رسیدگی به پرونده‌ها و جریان دادرسی در مجموعه قوه قضاییه و سازمان‌های تابعه در حال انتقال از شیوه سنتی استفاده از خدمات کارشناسان رسمی به شیوه های نرم افزاری هوشمند و پیشرفته است. اگرچه در بسیاری از کشورهای انتقال به هوشمندسازی در مدیریت و اجرای امور مختلف در حال جریان است.

دوره گذر عبور از شیوه‌های سنتی و استفاده از فناوری روز بوده که سازوکارهای ویژه خود را می‌طلبد. عبور از دوره گذار باید به دقت مورد توجه قرار گیرد زیرا طبیعتاً ممکن است برای برخی از افراد یا موسسات اشکالاتی را به دنبال داشته باشد که کاملاً طبیعی است و امروزه اصرار به ادامه کار با شیوه‌های سنتی خصوصاً در رابطه با امور کارشناس در دستگاه قضایی که کاملاً بروز شده غیرممکن است.

سیستم قضایی تقریباً هر روز در استفاده از دانش روز دنیا برای بروز رسانی شیوه‌های خدمت رسانی خود اهتمام نشان می‌دهد و اکنون در میدان توسعه و ارتقای عملکردی قرار دارد. حالا ما جامعه کارشناسان رسمی نیز باید در این مسیر همکاری و از آن استقبال کنیم. به اعتقاد من قوه قضاییه مترصد است سازوکارهای خود را برای بسط عدالت مبتنی بر شیوه‌های هوشمند به‌روز رسانی کند و این جدی‌ترین کاری است که کارشناسان رسمی کشور نیز باید با آن هماهنگ شوند. با اتکا به شیوه‌های علمی و مبتنی بر فناوری‌های نوین هرکجا نیاز به تسری عدالت در کل کشور و در تمام سطوح داریم، نگاه ما همان استفاده کاربردی از فناوری‌ها و سامانه‌های برخطی است که در سالهای اخیر امتحان خود را در بسیاری از امور پس دادند.

به عنوان عضو هیئت رئیسه شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری بدواً بکارگیری سامانه‌های هوشمند در فرایند



### شاهپور کلاتری:

یکی از مواردی که می‌شود کارشناسان را تشویق و الزام به انجام سریعتر قرار کرد این است که برخی از شعب در وقت مقرر از کارشناسان به ویژه کارشناسان هیئتی درخواست کنند که در ساعت و روز مقرر در شعبه حاضر شوند. وقتی آن‌ها حاضر شدند با متقاضی راهی محل برای بازدید شوند که این موجب تسریع کار خواهد شد.

توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شود.

تقریباً ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار شرکت و موسسه غیرتجاری وجود دارد که بیش از ۷۰ درصد این شرکت‌ها، شرکت‌های صوری، یکبار مصرف یا کاغذی محسوب می‌شوند با همین بخشنامه‌ای که صادر شد بیش از یک میلیون شخصیت حقوقی شناسایی شدند که از فعالیت‌های ثبتی آن‌ها جلوگیری شد تا خود و اموالشان را به روز در بیاورند و تقویم شوند تا فعالیت‌های دیگر آن‌ها انجام شود.

در حوزه ثبت املاک فرایندهای مختلفی برای موضوعات مختلف ثبتی اعم از احراز مالکیت، احراز تصرف، آگهی‌های نوبتی، آگهی‌های مقدماتی، بحث‌های مربوط به تحدید حدود و نقل و انتقال مالکیت وجود دارد که در این زمینه از وجود کارشناسان مجرب استفاده می‌شود در قانون تعیین تکلیف و قوانین اختصاصی دیگری نیز از کسب نظر کارشناسان برای اینکه ملکی به چه نحوی به ثبت برسد استفاده می‌شود.

یکی از موضوعات خیلی مهمی که در حوزه کارشناس رسمی وجود دارد بحث اجرای اسناد رسمی است که وصول مطالبات و طلب‌هایی که توسط مدیون و طلبکار در فرایند اجرایی قرار می‌گیرد. این موضوعات حتماً توسط کارشناس رسمی دادگستری بستگی به نوع ملکی که وجود دارد تقویم می‌شود و نظر کارشناس رسمی دادگستری می‌تواند زمینه و بستری را برای اجراییه ثبتی فراهم کند بنابراین از کارشناس رسمی دادگستری فقط در فرایند قوه قضاییه استفاده نمی‌کنیم بلکه در فرایندهای حوزه ثبتی و حوزه مالکیت نیز از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

## کارشناسان رسمی دادگستری می‌توانند به سازمان ثبت



### مدنی:

دوره گذر عبور از شیوه‌های سنتی و استفاده از فناوری روز بوده که سازوکارهای ویژه خود را می‌طلبد. عبور از دوره گذار باید به دقت مورد توجه قرار گیرد زیرا طبیعتاً ممکن است برای برخی از افراد یا موسسات اشکالاتی را به دنبال داشته باشد که کاملاً طبیعی است و امروزه اصرار به ادامه کار با شیوه‌های سنتی خصوصاً در رابطه با امور کارشناس در دستگاه قضایی که کاملاً بروز شده غیرممکن است

انتخاب و ارجا و اخذ نظریه‌های کارشناسی و سایر امور مربوط به کارشناسان رسمی دادگستری که از سوی قوه قضاییه آغاز و مورد تاکید قرار دارد را افتخارآمیز میدانم و از تدبیر ارزشمند ریاست قوه در این خصوص تشکر می‌کنم و امیدوارم این جریان نوآوری عادلانه به سایر قوا و ارکان اجرایی، نهادهای دولتی و خصوصی کشور نیز تسری یابد.

جامعه کارشناسان رسمی نیز به‌عنوان بازوان کارشناسی برای قوه قضاییه و سایر قوا با تلاش فراوان خود را موظف به تقویت این حرکت می‌دانند و به همین دلیل در سال‌های اخیر تلاش‌های هدفمند این شورا در توسعه کاربردی از فناوری‌های نوین و نرم‌افزاری موجب شد تا برای مدیریت قابل نظارت بر امور ارجاعات کارشناسی و توسعه عدالت در ارجاع سامانه ارجاع عادلانه ۲۰۲۰ را تهیه و در اختیار کانون کارشناسان ۳۱ استان کشور قرار دهد تا ارجاعات خارج از محاکم نیز مبتنی بر سامانه هوشمند نرم‌افزاری به طور عادلانه و با مدیریت زمان توزیع شوند.

نکته دوم، موضوع آموزش متقابل است که به مفهوم آمادگی لازم تمام افرادی است که در فرایند کاربرد نرم‌افزارهای هوشمند در رابطه با انتخاب، ارجاعات و استفاده از نظریه‌های تقدیمی کارشناسان قرار می‌گیرند. علاوه بر جریان آموزش و ترویج نحوه استفاده از سامانه‌های برخط در قوه قضاییه هم اینک حدود ۳۰ هزار نفر کارشناس در ۳۱ کانون استانی کارشناسان رسمی و شاید نزدیک به همین تعداد به عنوان کارشناس رسمی در مرکز امور کارشناسان عضویت دارند که در ۷۲ رشته مختلف در حال خدمت‌رسانی صادقانه هستند البته این تعداد رشته در کارگروه مشترک شورا و مرکز به ۸۰ رشته ارتقا یافته و در حال ابلاغ است که نشان از اهتمام کارشناسان در ارائه خدمات فنی دقیقتر در موضوعات تکنولوژی‌های نوین، مبحث دارایی‌های پنهان و توسعه هوشمندسازی سیستم‌ها در مدیریت و ... دارد.

### ■ فراگرفتن آموزش‌های لازم برای عبور از دوره انتقال ضرورت دارد

در فرایند آموزش متقابل علاوه بر کاربران قوه قضاییه ما کارشناسان نیز خودمان را برای خدمت‌رسانی مبتنی بر تکنولوژی‌های جدید و سامانه‌های نرم‌افزاری بیش از پیش آماده و دانش و صلاحیت‌های تخصصی خود در این رابطه بروز و در یک کلمه خود را برای همراهی با استفاده از فن‌آوری‌های نوین که زیرساخت آن توسط قوه قضاییه از قبل ایجاد و عملیاتی شده و اخیراً با ابلاغ شورای عالی مبنی بر بکارگیری سامانه ملی هوشمند ارجاع کارشناسی موسوم به ۲۰۲۰ برای استمرار خدمت در مقیاس استاندارد است آماده می‌کنیم. در این رابطه آموزش اجتناب‌ناپذیر است و باید مورد توجه همه ما قرار گیرد بنابراین فراگرفتن آموزش‌های لازم برای عبور از این دوره انتقالی ضرورت دارد.

موضوع پایش و رصد میزان کارایی سامانه‌های هوشمند بسیار مهم بوده و البته در جلسات مختلفی که در حوزه مربوطه در قوه قضاییه برگزار می‌شود موضوع نتایج پایش و آسیب‌شناسی و بازخورد‌هایی که از توسعه مکانیزه کردن و فرایند هوشمندسازی وجود دارد بررسی می‌شود که موجب ارتقای خدمات کارشناسی هم می‌شود. تجزیه و تحلیل آماری از موضوعات قابل پایش در این رابطه بهترین شیوه برای کمک به ارتقای سامانه‌ها است. لذا پس از تاکید بر آموزش‌های متقابل اصل پایش و تجزیه و تحلیل پایدار و مداوم راهکار تکمیل‌کننده برای اطمینان از کارایی موثر این شیوه‌ها است که همه می‌دانند هیچ روشی بهتر از پایشی مبتنی بر دیتا و آمار نیست.

### ■ کارشناسان رسمی بخشی از یک حلقه تأثیرگذار در تسریع یا اطاله دادرسی هستند

در حوزه اطاله فرایند‌های قضایی کارشناسان رسمی بخشی از یک حلقه تأثیرگذار در تسریع یا اطاله دادرسی هستند و باید نقش خود و ضریب تأثیرمان را در این حلقه به نحوی پیش ببریم که آن مواردی که در رسیدگی به پرونده‌ها موجب نارضایتی مردم (اعم از قضات، کارشناسان، طرفین پرونده‌ها و کارمند صديق دادگستری می‌شود) می‌شود را رفع کنیم. باید ببینیم تأثیر ما کارشناسان به صورت کمی چگونه می‌تواند موجب حل این مشکل و کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی شود. برای حل این مشکل برگزاری جلسات هم‌اندیشی با حضور قضات دانشمند و کارشناسان توأم با تأکیدات فنی و آموزشی در سطوح مختلف و خصوصاً در سطح استان‌ها



محمد حسن ادیب نماینده کارشناسان

### رسمی دادگستری مرکز:

صلاحیت‌های مرکز مطابق با بررسی‌های دقیق و متقن اشخاص صاحب نظر علمی و تجربی در حوزه امور ثبتی و نقشه برداری تهیه شود و نباید از صلاحیت‌های کارشناسان امور ثبتی و نقشه‌برداری کاسته شود و اگر بحث همسان‌سازی به صورت علمی مطرح است، می‌توان همان صلاحیت را در کانون کارشناسان نیز لحاظ و کانون از رویه مرکز در صورت نیاز تبعیت کند، همچنین نماینده‌ای از کارشناسان امور ثبتی و نقشه برداری نیز در کمیسیون مشترک مرکز و کانون در حوزه همسان‌سازی صلاحیت‌ها به ویژه صلاحیت‌های امور ثبتی و نقشه بردار حضور داشته باشند تا از حقوق رشته مزبور دفاع منصفانه‌ای به عمل آید

می‌تواند برای بررسی و بهینه‌سازی زمان در هر یک از اجزای حلقه تأثیرگذار در تسریع یا اطاله دادرسی تاکید شود.

ارجاعات کارشناسی برای رسیدگی به اختلافات در حدود مفروضه‌های محلی و یا اصطلاحاً اراضی مفروز الرعیه است که در داخل پک پلاک ثبتی قرار دارند و فاقد سوابق ثبت و جریان ثبتی هستند. ارجاع اینگونه امور به کارشناسان در رشته امور ثبتی به تنهایی منجر به نتیجه مستند نمی‌شود و از این لحاظ ممکن است منجر به اطاله دادرسی شود، از این رو استفاده از ظرفیت کارشناسان رسمی برای انجام بررسی سبقت تصرفات مبتنی بر مشاهده و تفسیر عکس‌های هوایی دهه‌های گذشته در کنار کارشناسان امور ثبتی به طور همزمان می‌تواند شیوه‌ای فنی و قابل قبول در اینگونه رسیدگی‌ها محسوب شود.

همچنین در مرحله تشکیل پرونده در محاکم لزوم ارائه اسناد پایه همزمان با تشکیل پرونده موجب تسریع در امور رسیدگی به پرونده‌ها و مانع اطاله آن می‌شود. برای مثال در بسیاری از پرونده‌های ملکی ارائه کروکی یا نقشه فنی محل مورد ترافع توسط شاکی یا خواهان از موارد موثر در پیشگیری از اطاله دادرسی است. به طور مثال، ارائه کروکی و نقشه محل مورد ترافع توسط خواهان و یا شاکی از مواردی است که چنانچه چرخه تهیه آن از مفاد دستور قرار کارشناسی صادره توسط محاکم خارج شود، زمان دادرسی را به طور معنی‌داری کاهش می‌دهد و برای اثبات این موضوع می‌توان زمان رسیدگی به دعوی در این رابطه را بر اساس وجود و یا عدم وجود نقشه یا کروکی محل مورد ترافع در بدو تشکیل پرونده را بصورت پایلوت مورد مقایسه قرار داد. اصولاً رسیدگی به موقع به پرونده‌ها مرتبط با دستور قرار کارشناسی و دستور قرار نیازمند وجود مدارک و مستندات است که خواهان یا شاکی می‌بایست خود در بدو تشکیل پرونده این مدارک را تهیه و در اختیار شعبه قرار دهند تا زمان لازم تا دسترسی کارشناس به اسناد از چرخه زمانی متعارف برای تدوین و تقدیم نظریه کارشناسی خارج شود.

امکان دسترسی کارشناس به اسناد مندرج در پرونده از طریق دسترسی‌های ویژه و بستر سامانه ثنا است که دسترسی کارشناس به اسناد مندرج در پرونده البته متناسب با دستور قرار صادره می‌تواند از ابعاد مختلف در رسیدگی به موقع به پرونده‌ها موثر باشد. مثلاً در بخش رسیدگی به امور و جریان ثبتی املاک شاید بیشترین عامل اطاله دادرسی بخش گزارش کارشناسان رسمی پس از مرور پرونده‌های ثبتی باشد که با وجود زیرساخت برخط موجود می‌توان جهت دسترسی کارشناس به پرونده دسترسی معینی تعریف کرد که هم

زیرساخت آن وجود دارد و هم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از مجموعه خود قوه قضاییه است.

### ■ کارشناسان رسمی بخشی از یک حلقه تأثیرگذار در تسریع یا اطاله دادرسی هستند

محمد حسن ادیب نماینده کارشناسان رسمی دادگستری مرکز: مواردی وجود دارد که کارشناسان رسمی به ویژه کارشناسان ساختمان و امور ثبتی و نقشه‌برداری هیچ نقشی در اطاله دادرسی ندارند که از آن جمله می‌توان به ارجاع کارشناسی از اداره‌های اجرای تهران اشاره کرد ارجاع کارشناسی به صورت مکانیزه است و امکان پاسخ و بارگذاری گزارش به صورت مکانیزه میسر نیست، همچنین با توجه به عدم دسترسی کارشناس رسمی اقدام‌کننده به پرونده اجرا و شماره تماس متقاضی صدور اجراییه و یا نماینده وی، اکثراً انجام کار با اطاله مواجه است. از سازمان ثبت تقاضا می‌شود مستندات در هنگام ارجاع کار با شماره تماس متقاضی اجرا و یا نماینده ایشان اعلام و نهایتاً پاسخ مکانیزه و سیستمی برای کارشناسان رسمی فراهم شود.

صلاحیت‌های مرکز مطابق با بررسی‌های دقیق و متقن اشخاص صاحب نظر علمی و تجربی در حوزه امور ثبتی و نقشه برداری تهیه شود و نباید از صلاحیت‌های کارشناسان امور ثبتی و نقشه‌برداری کاسته شود و اگر بحث همسان‌سازی به صورت علمی مطرح است، می‌توان همان صلاحیت را در کانون کارشناسان نیز لحاظ و کانون از رویه مرکز در صورت نیاز تبعیت کند، همچنین نماینده‌ای از کارشناسان امور ثبتی و نقشه برداری نیز در کمیسیون مشترک مرکز و کانون در حوزه همسان‌سازی صلاحیت‌ها به ویژه صلاحیت‌های امور ثبتی و نقشه بردار حضور داشته باشند تا از حقوق رشته مزبور دفاع منصفانه‌ای به عمل آید.

عدم تبعیت مراجع قضایی از دستورالعمل ساماندهی زمان و فرایند کارشناسی رسمی دادگستری بالاخص ماده ۱۰ آن وجود دارد که نیاز است موضوع را جهت بررسی به دادسرای انتظامی مرکز کارشناسان رسمی انعکاس دهند.

**محمد علی بیداری کارشناس رسمی دادگستری:** در حال حاضر موضوع حق‌الزحمه کارشناسان یکی از موضوعات و مشکلات مهم کارشناسان رسمی دادگستری است. قضات حق‌الزحمه کارشناسان را در قیاس با حقوق خود در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال در پرونده‌ای که شش یا هفت ماه مورد رسیدگی قرار گرفته کمتر از تعرفه قانونی درخواست کردیم، اما با آن مخالفت شد.

در رشته‌های حسابداری و حسابرسی با توجه به اینکه رسیدگی به پرونده‌ها معمولاً زمان‌بر است این موضوع بسیار نمود دارد. در نگاه اول لازم است جایگاه کارشناس را از نظر قانونی تعیین کنیم. به موجب قانون جایگاه کارشناسی صرفاً ابزار حسن قضاوت است بدان معنا که کارشناس ابزاری است که به وسیله آن قضات بتوانند قضاوت خود را در آن حوزه تخصصی بهبود ببخشند بنابراین از کارشناسان به عنوان ابزار حسن قضاوت استفاده می‌شود.

آنچنان که باید شان کارشناس رعایت نمی‌شود، کارشناس در هر پرونده به دعوت و درخواست قاضی برای رسیدگی دقیق و سریع به پرونده به آن محکمه دعوت می‌شود. کارشناسان نمی‌خواهند در برخی از پرونده‌ها حاضر شوند اما برای آنها ابلاغیه صادر می‌شود که این موضوع موجب اطاله دادرسی می‌شود.

### ■ در نظر گرفتن زمان مناسب کارشناسی برای هر پرونده مهم است

یکی از معایب موجود در این زمینه این است که همه پرونده‌ها از نظر زمان‌گذاری با یک دید نگاه می‌شود. در یک پرونده تخصصی ۶۰ جلد پرونده مربوط به آن محکمه وجود دارد، اما تنها ۲۰ روز زمان برای ارسال نظریه کارشناسی تعیین شده است در حالی که تنها مطالعه این ۶۰ جلد پرونده بیش از یک هفته زمان نیاز دارد. در این شرایط ما در پرونده‌های تخصصی با طرفین پرونده‌ها برای دریافت اسناد و مدارک شفاف و قانونی نیز درگیر هستیم.

از سوی دیگر یکی از موضوعاتی که در بحث کارشناسی برای چالش ایجاد کرده است دعوی و شکایاتی است که علیه کارشناسان مطرح می‌شود. از نظر آمار کمتر از نیم درصد از پرونده‌هایی که علیه کارشناسان در محاکم انتظامی تشکیل

می‌شود نشان از حب و بغض کارشناسان در رسیدگی به پرونده‌ها دارد و این نشان می‌دهد که کارشناسان انسان‌های پاکدستی هستند که می‌خواهند حتی با وجود مشکلات فراوان و تعرفه‌های ناچیز کارشناسی در امر دادرسی برای صدور یک رای عادلانه به قضات کمک کنند.

با ایجاد پرونده علیه کارشناس نمی‌توان از کارشناس انتظار یک نظریه صریح در پرونده را داشت چرا که در این شرایط کارشناسان به گونه‌ای نظر می‌دهند که هر ۲ طرف پرونده از نظریه منتفع شوند و شکایتی از وی طرح نکنند. پس از ارسال نظر کارشناس بسیار طبیعی است که یک طرف پرونده به نظریه کارشناسی اعتراض داشته باشد، اما اگر اعتراض به نظریه کارشناسی در رویه عادی رسیدگی شود حتماً دعوی علیه کارشناسان کاهش می‌یابد.

به طور کلی آن چیزی که باعث می‌شود این دعوی افزایش یابد این است که طرفین پرونده اعتقاد دارند که اعتراض‌شان به نظریه کارشناسی توسط قاضی به خوبی مورد توجه قرار نگرفته و دوم اینکه ابزار نامطلوبی به اسم ابزار اعاده دادرسی به وجود آمده است. در این شرایط طرف ناراضی از کارشناسی نظریه کارشناس را به نحوی خدشه‌دار می‌کند و حکم اعاده دادرسی می‌گیرد. همچنین دعوی انتظامی پیرامون کارشناسان وجود دارد و ۸۰ درصد انرژی کارشناس صرف این دعوی می‌شود و این امر سبب می‌شود که قضات بهره‌مندی کافی از نظر کارشناسی را نداشته باشند.

### آمارگرایی در قوه قضاییه سبب اطاله دادرسی شده است

متأسفانه امروزه در قوه قضاییه و شعب رسیدگی کننده با رویکرد آماری مواجه هستیم و به خاطر اینکه پرونده‌های زیادی در شعبه نماد و آمار منفی برای شعبه ثبت نشود تلاش می‌شود با حداقل دلایل پرونده را به نحوی تعیین تکلیف کنند. به همین دلیل در حال حاضر با حجم بسیار بالایی از پرونده‌هایی که به دلیل نقص مدارک از دادگاه به سمت دادسرا برگشت خورده‌اند مواجه هستیم.

در رابطه با این پرونده‌ها رسیدگی دوباره آغاز می‌شود و به دلیل اینکه همان نگاه آماری در دادگاه و شعبه بازپرسی نیز وجود دارد در این میان کارشناسان رسمی بین چرخ دنده‌های آماری خرد می‌شوند در حالی که قرار بود کارشناس فقط ابزار حسن قضاوت باشد.

### در فرایند رسیدگی کیفیت فدای سرعت شده است

واقعیت این است که امروز کیفیت در محاکم فدای سرعت شده و ما کارشناسان نیز درگیر این معضل هستیم. در یکی از موارد بازپرسی پرونده در یک محکمه فوق تخصصی تنها ۴۵ روز وقت رسیدگی داده که در این پرونده بعد از یک ماه طرفین مدارک خود را برای رسیدگی به کارشناس ارائه کردند و کارشناس فقط ۱۵ روز برای صدور نظر کارشناسی فرصت دارد در این پرونده حتی به استعلام از بانک، گمرک و اداره مالیات نیز نیاز است و این روند عملاً صدور نظریه کارشناسی را در این پرونده ناممکن می‌کند. در بیشتر موارد قضات درخواست استهمل را برای کارشناسان نمی‌پذیرند و با حداقل مدارک اصرار به صدور رای و ختم رسیدگی دارند. نقطه بحران در رسیدگی به پرونده‌های قضایی این است که کیفیت فدای سرعت شده است؛ بنابراین لازم است که پرونده‌ها در محاکم بدوی با کیفیت بالاتری جمع‌بندی شود و کارشناسان باید از اطمینان خاطر برخوردار باشند که رسیدگی به پرونده‌ها و صدور نظر کارشناسی دقیق چالشی را برای آنان ایجاد نمی‌کند.

ارجاع پرونده به کارشناسان باید به صورت هوشمند انجام شود و پرونده‌هایی که حدود و فرور سنگین دارد به کارشناسان خبره‌تر سپرده شود. در برخی موارد بر اساس قرعه یک پرونده کلان به کارشناسی ارجاع می‌شود که ۱۰ سال سابقه دارد، اما تنها ۳ پرونده را رسیدگی کرده است. در این موارد نمی‌توان از کارشناس انتظار خاصی داشت. سامانه‌های هوشمند باید به گونه‌ای طراحی شوند که موجب تجربه افزایش کارشناس شوند و کارشناسان در این فضا رشد کنند تا بتوانند به امر قضاوت کمک کنند.

### برای افزایش کیفیت کار کارشناسان رسمی چالش‌های حول آنها باید کاهش یابد

انتظار می‌رود کارشناسان به عنوان کسانی که یار و یاور قضات هستند مورد تکریم محاکم قضایی قرار بگیرند و همچنین دعوی علیه کارشناسان با رویه رفتاری دیگری رسیدگی شود و این دعوی ابتدا در شعب حل اختلاف رسیدگی شود و اگر قابل سازش هستند در همان مراحل اولیه در شورای حل اختلاف محتومه شوند. رعایت شأن کارشناسان رسمی دادگستری در قالب دستورالعمل اجرایی باید به محاکم ابلاغ شود و همچنین چالش‌های حول کارشناسان باید کاهش یابد تا اظهار نظر با کیفیت از سوی کارشناسان ارائه شود.

از مدت ۴ سال قبل بحث ایجاد موسسات کارشناسی مطرح و اساسنامه نمونه هم برای این موسسات تدوین شد و بعد از آنکه مصوبه هیئت وزیران برای ارزش گذاری دارایی‌های نامشروع و به طبع آن آئین نامه اجرای ارزش گذاری بحث ایجاد موسسات ارزش گذاری به عنوان مبنای اولیه موسسات کارشناسی بود که در آن مقطع تا حدودی پیش رفت، ولی چالش‌های نظارتی روی عملکرد موسسات وجود دارد که لازم است این چالش‌ها مرتفع شود. در همین راستا موضوع با سازمان ثبت نیز مطرح شد که اگر این موسسات تشکیل شوند باید مجوز کانون یا مرکز را برای ایجاد آن داشته باشیم. وجود این موسسات می‌تواند در کاهش زمان رسیدگی به برخی پرونده‌ها بسیار مثر باشد. در برخی موارد به علت همزمانی چند موضوع در پرونده باید همکاری از سایر رشته‌ها به عنوان کارشناس معین به پرونده اضافه شوند، اگر موسسات کارشناسی شکل گیرند با توجه به اینکه کارشناسان رسمی در رشته‌های مختلف در آن موسسات حضور دارند سریعاً از کارشناس مربوطه استفاده و رسیدگی به پرونده‌ها تسریع می‌شود. در سراسر دنیا پاسخگویی اشخاص حقوقی به سبب وجود نمایندگان حقیقی بسیار بیشتر از اشخاص حقیقی است.

## در بیانیه سازمان بسیج حقوقدانان کشور مطرح شد

# فقدان ادله قانونی برای بازداشت حمید نوری نقض اعلامیه حقوق بشر است

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دلالت دارد. حق بهداشت و سلامت از حقوق مسلم هر فرد به ویژه افراد زندانی است و عدم دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی موجب تضییع حق سلامت و به خطر افتادن حق حیات خواهد بود.

بر اساس اظهارات و گزارش‌های موجود جناب آقای حمید نوری در زمان بازداشت و حضور در زندان به صورت مکرر از این حق محروم بوده، بنابراین دادگاه سوئد مرتکب نقض میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شده است.

بر اساس همین مستندات رأی دادگاه هیچ وجهت قانونی نداشته و کشور سوئد با ارتکاب نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل در قبال تبعه ایرانی دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشد.

در پایان به استحضار ملت شریف ایران و عدالت خواهان می‌رساند؛ انجمن حقوق بین‌الملل سازمان بسیج حقوق دانان کشور ضمن محکوم کردن عملکرد سیستم قضایی کشور سوئد در خصوص حکم صادره حبس ابد علیه آقای حمید نوری تبعه ایرانی الاصل، از دستگاه قضایی، ستاد حقوق بشر و وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران خواستار پیگیری حقوق تضییع شده آقای حمید نوری تا آزادی کامل از چنگال بی‌عدالتی و احقاق حقوق وی بوده و از مراجع حقوقی کشور سوئد نیز می‌خواهیم با تجدید نظر در رأی صادره، نشان دهد که در رسیدگی‌های قضایی تابع اصول دادرسی عادلانه و منصفانه منطبق بر موازین حقوق بین‌الملل، است.

در صورت اصرار بر این عمل متخلفانه، همه کسانی که به هر نحوی در دستگیری، بازداشت، تحقیق، تعقیب و محاکمه آقای نوری به طور غیرقانونی دست داشتند مرتکب نقض دادرسی عادلانه شده‌اند.



نتوانسته است بدون هر گونه شک معقول شرایط لازم برای تحقق جنایت جنگی را اثبات کند.

در کنار عدم اعتبار دلایل و مستندات محکومیت وی، نحوه برخورد سیستم قضایی با تبعه ایرانی، نقض فاحش حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. بازداشت هر فرد می‌بایست بر اساس قانون صورت بگیرد و بازداشت‌هایی که خلاف قانون انجام می‌شوند، خودسرانه بوده و نقض حقوق بشر محسوب می‌شود.

فقدان ادله قانونی و حقوقی کافی برای بازداشت آقای حمید نوری جز مصادیق بازداشت خودسرانه و نقض فاحش اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قلمداد می‌شود.

نگهداری طولانی مدت آقای نوری در سلول انفرادی، ضرب و شتم و نیز عدم امکان تماس با خانواده از مصادیق شکنجه بوده و نقض کنوانسیون علیه شکنجه است.

حضور شاهدان دروغین، عدم انجام تحقیقات توسط دادستان، از بین بردن لوابیح دفاعی آقای نوری در بازداشتگاه، مداخله جانبدارانه مؤثر پلیس ایرانی الاصل در تحقیقات مقدماتی پرونده و عدم اجازه به آقای نوری برای ارائه ادله دفاع از خود همگی بر نقض حق دادرسی عادلانه مصرح

انجمن حقوق بین‌الملل سازمان بسیج حقوق دانان کشور رأی دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر کشور سوئد در رابطه با حمید نوری شهروند ایرانی الاصل را از اساس غیرقابل قبول دانسته و آن را محکوم کرد.

انجمن حقوق بین‌الملل سازمان بسیج حقوق دانان کشور در خصوص محکومیت آقای حمید نوری به حبس ابد از سوی دستگاه قضایی سوئد؛ اعلام کرد که سیستم قضایی سوئد با دستاویز قرار دادن و استهزای علم حقوق بین‌الملل و اصول مصرح در سیستم حقوقی و قضایی که داعیه دار حقوق بشر و آزادی است چهره دیگری از خود نشان داد.

انجمن حقوق بین‌الملل سازمان بسیج حقوق دانان کشور رأی دادگاه‌های بدوی و تجدید نظر کشور سوئد در رابطه با آقای حمید نوری شهروند ایرانی الاصل را از اساس غیرقابل قبول دانسته و آن را محکوم می‌کند.

در این بیانیه آمده است: سیستم قضایی سوئد در روند رسیدگی خود، بدیهی‌ترین اصول دادرسی عادلانه و منصفانه را نقض کرده و با رفتاری خلاف حقوق بین‌الملل با دخالت در امور داخلی و نقض حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، رفتارهای غیر انسانی با تبعه کشور ایران داشته که خود نشانه عدم کفایت سیستم قضایی سوئد می‌باشد.

اصل قانونی بودن جرم و مجازات از اصول مهم حقوق بین‌المللی کیفری است. حقوق کیفری بین‌المللی با معیارهای انعطاف‌پذیر قابل تفسیر نیست و باید با تطبیق بین مسائل موضوعی و قانونی که از قبل تدوین یافته است، تفسیر شود. به همین دلیل ادعاهای اعضای گروهک تروریستی منافقین در این پرونده بدون ارائه هیچ مستنداتی، قابل پذیرش نیست.

دادگاه سوئد در این پرونده مدعی ارتکاب جنایات جنگی توسط آقای حمید نوری شده است، حال آنکه، دادگاه سوئد

# جنایت و تاثیر آن بر تعیین مجازات

## و محرومیت‌های اجتماعی



محمد علی طیبی سورکی  
وکیل پایه یک دادگستری  
و مشاور حقوقی

ارتکاب بزه از نوع جنایت می‌تواند بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض صورت پذیرد که هر کدام از آن دارای تبعاتی چه از لحاظ تعیین و نحوه مجازات و همچنین از جنبه محرومیت اجتماعی و ممنوع شدن از یکسری امتیازات حقوقی و تخفیفات مجازات، خواهد داشت وابتدا باید بدانیم در چه صورت یا شرایطی یک جنایت عمدی است و یا شبه عمدی و یا خطا محض است، جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:

الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.

پ- هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت- هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

شایان ذکر است؛ طبق بند(ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود. و همچنین در بند(پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

ولی جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می‌شود:

الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد.

ب- هرگاه مرتکب، چهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده(۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.

و بالاخره اینکه؛ جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

و در مورد بندهای(الف) و(ب) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

اما جنایت صورت گرفته در شرایطی موجبات سلب حقوق عامه

افراد و محرومیت از حقوق اجتماعی آنان را فراهم خواهد نمود که به مواردی از آن اشاره می‌نماییم:

الف: اشخاص ذیل نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند:

۱- مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آن‌ها صادر شده است.

۲- کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت: سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جنحه‌هایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است، اختلاس، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی

ب: پروانه دلالی با رعایت احتیاجات محلی فقط به اشخاصی داده می‌شود که دارای شرایط زیر باشند:

۱- داشتن بیست و پنج سال تمام و انجام خدمت وظیفه یا داشتن گواهینامه معافیت یا آماده به خدمت.

۲- تابعیت ایران.

۳- داشتن گواهینامه سال ششم ابتدایی و یا دادن امتحانی برابر آن.

۴- داشتن اطلاعات فنی متناسب با موری که عهده‌دار دلالی آنها هستند.

۵- عدم شهرت به نادرستی.

۶- نداشتن محکومیت به ارتکاب جنایت و ورشکستگی به تقصیر و کلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت به گواهی مقامی که وزارت دادگستری معین می‌کند.

۷- دادن وجه‌الضمانه یا ضمانت‌نامه یا وثیقه مطابق ماده ۳

پ: محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف- هفت سال در محکومیت به مجازاتهای سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج

ت: اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند:

۱- به سن هجده سال تمام رسیده باشند.

۲- پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

۳- فراری از خدمت نظامی نباشند.

۴- در هیچ مملکتی به جنحه‌ی مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند.

ث: اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند:

**اگر مرتکب با یک ضربه عمدی، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مجنی علیه گردد، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود و به علت نقص عضو یا جراحتی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی‌گردد**

۱- کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.

۲- کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشند:

سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، اختلاس، هتک ناموس یا منافیات عفت، جنحه نسبت به اطفال، ورشکستگی به تقصیر.

۳- کسانی که حکم ورشکستگی آن‌ها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آن‌ها تصفیه نشده است.

۴- کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند.

۵- کسی که خود یا اقربای طبقه‌ی اول او دعوایی بر محجور داشته باشد

ح: در موارد ذیل قیم معزول می‌شود:

۱- اگر معلوم شود که قیم فاقد صفت امانت بوده و یا این صفت از او سلب شود.

۲- اگر قیم مرتکب جنایت و یا مرتکب یکی از جنحه‌های ذیل شده و به موجب حکم قطعی محکوم گردد:

سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، اختلاس، هتک ناموس، منافیات عفت، جنحه نسبت به اطفال، ورشکستگی به تقصیر یا تقلب

هرگاه در دعوی مالی مانند دیه جنایات و همچنین دعوایی که مقصود از آن مال است مانند جنایت خطائی و شبه عمدی موجب دیه، برای مدعی خصوصی امکان اقامه بینه شرعی نباشد، وی می‌تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمه یک سوگند، ادعای خود را فقط از جنبه مالی اثبات کند.

هرگاه کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند این که مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را برعهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.

اگر کسی، عمداً جنایتی را بر عضو فردی وارد سازد و او به سبب سرایت جنایت فوت کند، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود، در غیر این صورت، قتل شبه عمدی است و مرتکب علاوه بر قصاص عضو به پرداخت دیه نفس نیز محکوم می‌شود.

اگر مرتکب با یک ضربه عمدی، موجب جنایتی بر عضو شود که منجر به قتل مجنی علیه گردد، چنانچه جنایت واقع شده مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قتل عمدی محسوب می‌شود و به علت نقص عضو یا جراحتی که سبب قتل شده است به قصاص یا دیه محکوم نمی‌گردد.

اگر کسی با ضربه‌های متعدد عمدی، موجب جنایات متعدد و قتل مجنی علیه شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، چنانچه برخی از جنایات موجب قتل شود و برخی در وقوع قتل نقشی نداشته باشند، مرتکب علاوه بر قصاص نفس، حسب مورد، به قصاص عضو یا دیه جنایتی که تأثیری در قتل نداشته است، محکوم می‌شود. لکن اگر قتل به وسیله مجموع جنایات پدید آید، در صورتی که ضربات به صورت متوالی وارد شده باشد در حکم یک ضربه است. در غیر این صورت به قصاص یا دیه عضوی که جنایت بر آن، متصل به فوت نبوده است نیز محکوم می‌گردد.

اگر مجنی علیه به تصور اینکه جنایت وارده بر او به قتل منجر نمی‌شود و یا اگر به قتل منجر شود قتل، عمدی محسوب نمی‌شود، قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن، جنایت واقع شده، به نفس سرایت کند و به فوت مجنی علیه منجر شود، هرگاه قتل مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قاتل به قصاص نفس محکوم می‌شود و چنانچه عضو مرتکب، قصاص شده یا با او مصالحه شده باشد، ولی دم باید قبل از قصاص نفس، دیه عضو قصاص شده یا وجه المصلحه را به وی بپردازد؛ لکن اگر جنایت مشمول تعریف

جنایات عمدی نگرده، به پرداخت دیه نفس، بدون احتساب دیه عضو قصاص شده یا وجه المصالحه اخذ شده، محکوم می‌شود. مفاد این ماده، در موردی که جنایت ارتکابی به قسمت بیشتری از همان عضو مورد جنایت سرایت کند نیز جاری است.

در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود:

الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است.  
ب- مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده، بیش از مجازات حدی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است.

پ- مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود.

ت- متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود.

ث- زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.

هرگاه مرتکب، مدعی باشد که مجنی علیه، حسب مورد در نفس یا عضو، مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. اگر ثابت نشود که مجنی علیه مشمول ماده (۳۰۲) است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می‌شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده (۳۰۲) نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

جنایت عمدی نسبت به نابالغ، موجب قصاص است. مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود.

جنایت عمدی بر جنین، هر چند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. اگر جنینی زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد، منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند قصاص ثابت است. ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روانگردان و مانند آنها، موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد.

اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در مسلمان بودن مجنی علیه، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته و حالت او پیش از جنایت، عدم اسلام باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعای کند که جنایت عمدی در حال اسلام او انجام شده است و مرتکب ادعای کند که ارتکاب جنایت، پیش از اسلام آوردن وی بوده است، ادعای ولی دم یا مجنی علیه باید ثابت شود و در صورت عدم اثبات، قصاص منتفی است و مرتکب به پرداخت دیه و مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. اگر حالت پیش از زمان جنایت، اسلام او بوده است، وقوع جنایت در حالت عدم اسلام مجنی علیه باید اثبات شود تا قصاص ساقط گردد و در صورت عدم اثبات، با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود. حکم این ماده در صورتی که در مجنون بودن مجنی علیه تردید وجود داشته باشد نیز جاری است.

فقدان قرائن و امارات موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت، از مصادیق لوث محسوب نمی‌شود و او با ادای یک سوگند، تبرئه می‌گردد.

اگر چند نفر، متهم به شرکت در یک جنایت باشند و لوث علیه همه آنان باشد، اقامه یک قسامه برای اثبات شرکت آنان در ارتکاب جنایت، کافی است و لزومی به اقامه قسامه برای هر یک نیست.

اگر شاکای ادعای کند که تنها یک شخص معین از دو یا چند نفر، مجرم است و قسامه بر شرکت در جنایت اقامه شود، شاکای نمی‌تواند غیر از آن یک نفر را قصاص کند و چنانچه دیه قصاص

شونده بیش از سهم دیه جنایت او باشد شریک یا شرکای دیگر باید مازاد دیه مذکور را به قصاص شونده بپردازند. رجوع شاکای از اقرار به انفراد مرتکب، پس از اقامه قسامه مسموع نیست

اگر شاکای علیرغم حصول لوث علیه متهم اقامه قسامه نکند و از او مطالبه قسامه کند و متهم درباره اصل جنایت یا خصوصیات آن، ادعای عدم علم کند، شاکای می‌تواند از وی مطالبه اثبات سوگند بر عدم علم نماید. اگر متهم بر عدم علم به اصل جنایت سوگند یاد کند، دعوی متوقف و وی بدون تأمین آزاد می‌شود و اگر سوگند متهم فقط بر عدم علم به خصوصیات جنایت باشد، دعوی فقط در مورد آن خصوصیات متوقف می‌گردد لکن اگر متهم از سوگند خوردن خودداری ورزد و شاکای بر علم داشتن او سوگند یاد کند، ادعای متهم به عدم علم رد می‌شود و شاکای حق دارد از متهم اقامه قسامه را درخواست نماید. در این صورت اگر متهم اقامه قسامه نکند به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

قسامه فقط نسبت به مقداری که لوث حاصل شده است، موجب اثبات می‌شود و اثبات خصوصیات جنایت از قبیل عمد، شبه عمد، خطا، مقدار جنایت و شرکت در ارتکاب جنایت یا انفراد در آن نیازمند حصول لوث در این خصوصیات است.

اگر نسبت به خصوصیات جنایت لوث حاصل نشود یا سوگند خوردگان، بر آن خصوصیات سوگند یاد نکنند و فقط بر انتساب جنایت به مرتکب سوگند بخورند، اصل ارتکاب جنایت اثبات می‌شود و دیه تعلق می‌گیرد و چنانچه اصل ارتکاب جنایت، با دلیلی به جز قسامه اثبات شود، خصوصیات آن در صورت حصول لوث در هر یک از آنها به وسیله قسامه قابل اثبات است مانند آنکه یکی از دو شاهد عادل، به اصل قتل و دیگری به قتل عمدی شهادت دهد که در این صورت اصل قتل با بیانه اثبات می‌شود و در صورت لوث، عمدی بودن قتل با اقامه قسامه ثابت می‌گردد.

لازم است اداء کنندگان سوگند از کسانی باشند که احتمال اطلاع آنان بر وقوع جنایت، موجه باشد.

اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه کننده است. ادعای اکراه بر جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات با سوگند صاحب حق قصاص، مباشر قصاص می‌شود و بر اساس ماده ۳۷۹ از قانون مجازات اسلامی؛

هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می‌شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود.

اگر قتل در یکی از ماههای حرام (محرم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجه) یا در حرم مکه مکرمه واقع شده باشد یا قاتل در زمان یا مکان مذکور، قصاص گردد و قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه از سوی ولی دم به قاتل باشد، فاضل دیه تغلیظ نمی‌شود. همچنین دیه‌ای که ولی دم به دیگر اولیاء می‌پردازد تغلیظ نمی‌شود، لکن اگر قتل در زمان یا مکان مذکور باشد، دیه‌ای که شرکای قاتل، به علت سهمشان از جنایت، حسب مورد به قصاص شونده یا ولی دم و یا به هر دو آنان می‌پردازند، تغلیظ می‌شود.

مجازات جنایت عمدی بر عضو در صورت تقاضای مجنی علیه یا ولی او و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر اینصورت مطابق مواد دیگر این قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد.

جنایت بر عضو عبارت از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارد بر منافع است.

زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می‌کند، به قصاص محکوم می‌شود لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجراء می‌شود. حکم مذکور در صورتی که مجنی علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است. ولی اگر مجنی علیه، زن مسلمان و مرتکب، مرد غیرمسلمان باشد، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه، قصاص می‌شود.

اگر به علت یک یا چند ضربه، جنایتهای متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید، حق قصاص برای هر جنایت، به طور جداگانه ثابت است و مجنی علیه می‌تواند درباره بعضی با مرتکب مصالحه نماید، نسبت به بعضی دیگر گذشت و بعضی را قصاص کند.

هرگاه کسی جنایت عمدی بر اعضای متعدد یک نفر وارد کند و امکان قصاص همه آنها نباشد مانند اینکه هر دو دست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد، مرتکب در مقابل جنایتهایی که قصاص آن امکان دارد، قصاص می‌شود و برای دیگر جنایات، به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

گاهی جنایت بر میت صورت می‌پذیرد که موارد ذیل قابل اعمال است:

دیه جنایت بر میت، یک دهم دیه کامل انسان زنده است مانند جداکردن سر از بدن میت که یک دهم دیه و جدا کردن یک دست، یک بیستم دیه و هر دو دست، یک دهم دیه و یک انگشت، یکصدم دیه کامل دارد. دیه جراحات وارده به سروصورت و سایر اعضاء و جوارح میت به همین نسبت محاسبه می‌شود.

دیه جنایت بر میت به ارث نمی‌رسد بلکه متعلق به خود میت است که در صورت مدیون بودن وی و عدم کفایت ترکه، صرف پرداخت بدهی او می‌گردد و در غیر این صورت برای او در امور خیر صرف می‌شود.

هرگاه آسیب وارده بر میت، دیه مقدر نداشته باشد، یک دهم ارش چنین جنایتی نسبت به انسان زنده محاسبه و پرداخت می‌گردد.

دیه جنایت بر میت حال است مگر اینکه مرتکب نتواند فوراً آن را پرداخت کند که در این صورت به او مهلت مناسب داده می‌شود.

دیه جنایت بر میت خواه عمدی باشد یا خطائی توسط خود مرتکب پرداخت می‌شود.

هرگاه شخصی به طور عمدی، جنایتی بر میت وارد سازد یا وی را هتک نماید، علاوه بر پرداخت دیه یا ارش جنایت، به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود.

هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب به مأمورین دولتی همکاری موثری بعمل آورد از مجازات معاف و در صورتیکه شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود.

ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی بر روی فرد، فرو بردن اعضای بدن در درون اسید و اعمالی نظیر آن در حکم اسیدپاشی است.

مطابق ماده ۲ از قانون دیات؛ هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصالحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف - در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک؛

ب - در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛

پ - در جنایتی که میزان دیه آن از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛

ت - در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه چهار؛

در مورد ماده قبل هر گاه اقدام بتصرف عدوانی و مزاحمت یا ممانعت از حق، مشهود مأموران شهربانی و ژاندارمری باشد مأموران مزبور مکلفند بموضوع شکایت خواهان رسیدگی و با حفظ وضع موجود از انجام اقدامات بعدی خوانده جلوگیری نمایند و جریان را بمراجع مذکور در ماده قبل اطلاع داده طبق نظر مراجع مزبور اقدام نمایند.

هر گاه بسبب تجاوز بیم وقوع جنحه یا جنایتی برود مأموران شهربانی یا ژاندارمری باید فوراً از وقوع هر گونه جرمی در حدود وظایف خود جلوگیری نمایند

در مواردی که نسبت به امر به معروف و ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی به علت عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی علیه یا اولیای دم حسب مورد، پس از صدور حکم قطعی از سوی مرجع صالح قضائی، دیه از محل تبصره ماده (۹) قانون دیات پرداخت می‌شود. هرگاه جانی شناسایی شود یا تمکن مالی پیدا کند، ستاد می‌تواند در صورت اذن مجنی علیه یا ولی وی حسب مورد نسبت به وصول دیه و خسارات مربوطه از طریق محاکم قضائی اقدام نماید.

ادامه از صفحه قبل:

حامی عدالت: ارث، واژه‌ای که در مباحث حقوقی با گستره بالایی رو به روست، ابعاد گوناگونی را در بر دارد. یکی از ابعاد این موضوع در ارتباط با ارثی است که مرد از همسر خود می‌برد.

ارثی که مرد از زن یا همسر خود می‌برد، در یک جمله شامل مقدار و سهمی خاص است که قانون آن را تعریف کرده است. اما ماجرا وقتی پیچیده‌تر می‌شود که به قلب این موضوع به ظاهر ساده وارد شویم و ابعاد گوناگون آن را در حوزه حقوق مورد بررسی قرار دهیم.

موضوع ارث، در منابع گوناگون مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مستر وکیل یکی از این منابع است. در این منبع در پاسخ به این پرسش مطرح شده که مرد در چه شرایطی از زن ارث می‌برد؟ آورده شده است:

«این یکی از سوالاتی است که معمولاً در اکثر پرونده‌های خانوادگی وجود دارد، قانون برای این سوال جواب دارد به این صورت که مرد در زمان عقد دائم با زن خود پس از مرگ همسرش از وی ارث دریافت می‌کند.»

این منبع می‌افزاید: طبق قانون زن و مرد با توجه به شرایط از هم ارث می‌برند اما این سهم الارث به میزان مساوی نیست، لذا وارثان آن هم به صورت یکسان سهمی دریافت نمی‌کنند. این سهم الارث هر کدام از مرد و زن طبق قانون تفاوت دارد. کلیه حالات ارث بری مرد از زن به صورت زیر ذکر می‌شود:

**حالت اول:** در این حالت زمانی که زن و مرد دارای فرزند نباشند، پس از مرگ زن نصف ترکه وی به شوهرش می‌رسد که این سهم زمانی به وی تعلق می‌گیرد که زوجیتی بین آن‌ها باشد.

در برخی موارد زن به جز شوهر خود نسبت دیگری ندارد به همین دلیل نصف باقی ماترک وی براساس قانون به شوهرش تعلق خواهد گرفت.»

### وقتی فرزند مختص زندگی مشترک مرد از زن نباشد

در صورتی که فرزند یا فرزندان در میان باشند، که مختص به زن در ازدواج یا ازدواج‌های پیشین باشد، موضوع ارثی که مرد از زن می‌برد، تفاوت پیدا می‌کند و در این صورت مواردی را باید مد نظر قرار داد که منبع نامبرده به این موضوع اشاره کرده است. در این نوشته آمده است:

**حالت دوم:** در این حالت زمانی که زن دارای فرزند باشد یک چهارم از اموال وی به فرزندان و یک چهارم آن به شوهر تعلق می‌گیرد بعبارتی در این مورد سهم بیشتر مختص فرزندان اوست.

### استثنا در امر ارث همسران

**استثنا در ارتباط با ارث:** این نکته به این شکل آورده شده است: در ارتباط با ارث استثنا قانونی: قانون برای ارث بردن مرد و زن از هم این استثنا را هم در نظر گرفته است، بدون وجود رابطه نکاح هر دو از هم سهم دریافت می‌کنند.

این مورد برای زمانی است که مرد در حالت بیماری باشد و برای مدت زمان یکسال زن خود را طلاق دهد اگر مرد به دلیل همان بیماری فوت کند زن از وی ارث دریافت می‌کند.

### ارث بردن مرد در عقد موقت

این نکته که مرد در عقد موقت نیز امکان بردن ارث از همسر خود را دارد یا خیر مورد دیگری است که در این مطلب به آن اشاره شده و با این توضیح آمده است که: «طبق قانون ازدواج‌های دائمی که بین زن و مرد وجود دارد سند است و قانون با تکیه بر آن در زمان فوت هر کدام به شخص دیگری ارث می‌برد.»

### وقتی فرزند مشترک و مختص به ازدواج زن و شوهر باشد

در این خصوص نیز طبق منبع یاد شده می‌توان به این نکته اشاره داشت که: «سهم الارث مرد از زن با فرزند، اگر مرد و زن فرزند مشترک داشته باشند در زمان فوت زن، سهم الارث مرد از ارث باقی مانده زن، یک چهارم است.»

### ارث مرد از زن، وقتی فرزندی ندارد

«زمانی که مرد و زن فرزند مشترکی نداشته باشند در زمان فوت زن به مرد یک دوم ارثیه زن تعلق می‌گیرد»، این جمله پاسخی است که منبع نامبرده در مطلب مورد نظر خود به آن اشاره داشته است.

## ابعاد حقوقی ارث پیرامون ارث همسران از یکدیگر

# مرد از زن خود ارث می‌برد؟

اموال زوج ارث می‌برد مگر زمین؛ در حالی که عبارت این بخش از مقررات قانون مدنی اعلام می‌دارد که، زوجه از اموال زوج ارث نمی‌برد، مگر از اموال مذکور در ماده.

به علاوه این شیوه، با تحولات اجتماعی و تغییراتی که در نقش زن در اقتصاد جامعه و خانواده رخ داده است، به هیچ وجه تناسب ندارد. چرا که امروزه در جامعه امالی پدید آمده که ارزش آن‌ها چندین برابر ارزش امالی نظیر ساختمان است، مثل حقوق مربوط به مالکیت‌های فکری، که با وجود چنین ابهامی در متن این مواد، ناگزیر باید ارث بردن زوجه از این اموال را منتفی بدانیم.

مقصود از مالکیت‌های فکری یا معنوی حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی و داد و ستد است، ولی موضوع آن‌ها شیء معین مادی نیست. بعنوان مثال حق مؤلف و حق مخترع از جمله این حقوق می‌باشند.

### اصلاح قانونی مرتبط پس از هشتاد سال

منبع نامبرده در توضیحات خود به اصلاح قانونی مرتبط اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: خوشبختانه نمایندگان مجلس در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۶، پس از حدود ۸۰ سال، این قانون را اصلاح کردند تا گام مثبتی در جهت احقاق حقوق زنان باشد. در ماده‌ی ۹۴۶ جدید ق. م می‌خوانیم: «زوج از همه اموال زوجه ارث می‌برد و زوجه در صورت فرزندان بودن زوج، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد و در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد، سهم زوجه یک چهارم از همه اموال به ترتیب فوق است.»

### ارث در تعدد زوجات

منبع مذکور در ادامه به حقوق ارث در تعدد زوجات اشاره می‌کند و می‌آورد: «اگر زوجات متعدد باشند، ثمن آن در صورت وجود فرزند و ربع آن در صورت نبود آن، بین آن‌ها به طور مساوی تقسیم می‌شود؛ پس ربع یا ثمن ترکه مال آن‌ها است. و در مانع بودن فرزند از سهم بیشتر زن، بین اینک فرزند خود آن زن باشد یا از زن دیگر؛ فرزند زن دائمی باشد یا منقطع؛ فرزند بدون واسطه باشد یا با واسطه، فرق نمی‌کند. و زنی که در حال مرض موت طلاق داده شده در ربع یا ثمن - با شرایط گذشته - شریک می‌باشد.»

### نگاهی کلی به توارث در انواع عقود

در یک نگاه کلی‌تر می‌توان به توضیحات کلی و جامعی که وی‌کی فقه آورده است، اشاره کرد: «در توارث (ارث بردن از یکدیگر) به واسطه زوجیت، شرط است که عقد دائمی باشد؛ پس در عقد منقطع - نه از طرف شوهر و نه از طرف زوجه - در صورتی که شرط نشده باشد، بدون اشکال توارثی نیست و اگر از یک طرف یا از دو طرف شرط شده باشد در نهایت اشکال است، پس احتیاط به ترک شرط، ترک نشود؛ و اگر شرط شده باشد، مصالحه ترک نشود. و شرط است که زوجه در عقد زوج باشد اگرچه به اونزدیک نشده باشد، بنابراین از همدیگر ارث می‌برند. و مطلقه رجعی مادامی که در عده است، در حکم زوجه می‌باشد به خلاف مطلقه بائن؛ پس اگر یکی از آن‌ها در زمان عده رجعی بمیرد دیگری از او ارث می‌برد، به خلاف آنکه در عده طلاق بائن بمیرد، البته اگر مرد، زن را در حال مرض ولو به طلاق بائن طلاق دهد و به همین مرض بمیرد، زن از وقت طلاق تا یک سال از او ارث می‌برد، به شرط آنکه طلاق به خواهش زن نباشد، پس زنی که به طلاق خلعی و مباراتی طلاق داده شده ارث نمی‌برد. و به شرط آنکه این زن ازدواج ننماید، بنابراین اگر در حال مرض، زن را طلاق دهد و زن بعد از انقضای عده، ازدواج نماید سپس شوهر قبل از انقضای سال بمیرد، زن از او ارث نمی‌برد. و به شرط آنکه شوهر از مرضی که زن را در آن مرض طلاق داده خوب نشود؛ پس اگر از آن مرض خوب شود سپس مریض گردد ولو اینکه مثل همین مرض را پیدا کند، زن از او ارث نمی‌برد. و اگر زن قبل از تمام شدن سال در مرض شوهر بمیرد، مرد از زن ارث نمی‌برد، مگر اینکه در عده رجعی باشد.»



### وقتی زن ورثه‌ای جز همسر خود ندارد

زنانی هستند که جز همسر خود ورثه‌ای ندارند. فوت این زنان چه حقوقی را در باب ارث برای مردی که همسرشان است ایجاد می‌کند؟ منبع یاد شده به این پرسش به این صورت پاسخ می‌دهد: «زمانی که مرد به عنوان تنها ورثه زن مشخص شود و زن پس از مرگ هیچ‌گونه نسبیتی نداشته باشد، مرد صاحب ارثیه زن می‌شود.»

### ارث زن به مرد

پرسش آخری که به امقوله ارث مرد از زن در این شماره اختصاص می‌دهیم، این پرسش کلی است که آیا زن به مرد ارث می‌دهد؟ با تکیه بر منبع مذکور می‌توان به این پرسش پاسخ مثبت داد و به این توضیح اشاره کرد: «بله، طبق قانون اگر بین زن و مرد زوجیت دائم وجود داشته باشد در شرایط متفاوت زن به مرد ارث می‌دهد.»

### تفاوت احکام ارث زن و شوهر

همان‌طور که گفته شد مقوله ارث ابعاد گوناگونی را دنبال می‌کند که منابع متعدد حقوقی نیز به صورت اجمالی و یا مفصل به آن پرداخته‌اند.

یکی فقه در ارتباط با این موضوع به درج مطلبی مفصل اهتمام داشته است. در مجموع احکامی که در قانون مدنی در مورد توارث زوجین بیان گردیده است، وجود چند تفاوت مشهود است که به این شرح قابل تشریح است:

میزان سهم الارث شوهر دو برابر زن است. / به حکم ماده ۹۴۹ ق. م در صورتی که شوهر تنها وارث زن باشد، تمام ترکه زن را به ارث می‌برد؛ ولی زنی که تنها وارث شوهر است، فقط همان یک چهارم ترکه را به ارث می‌برد و مابقی ترکه در حکم مال اشخاص بلاوارث خواهد بود. به حکم مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ ق. م مصوب ۱۳۰۷، شوهر از تمام اموال زن ارث می‌برد، لیکن زن در میان اموال شوهر، نه تنها از عین زمین و بهای آن ارث نمی‌برد بلکه از عین بنای احداث شده و درختان کاشته شده بر روی زمین نیز محروم است.

به نظر برخی حقوق‌دانان ترتیب مقرر در این مواد، مخالف آن چیزی است که از احادیث و متون فقهی استنباط می‌شود. بدین توضیح که در این منابع، اصل بر این است که زوجه از تمام

در توارث (ارث بردن از یکدیگر) به واسطه زوجیت، شرط است که عقد دائمی باشد؛ پس در عقد منقطع - نه از طرف شوهر و نه از طرف زوجه - در صورتی که شرط نشده باشد، بدون اشکال توارثی نیست و اگر از یک طرف یا از دو طرف شرط شده باشد در نهایت اشکال است، پس احتیاط به ترک شرط، ترک نشود؛ و اگر شرط شده باشد، مصالحه ترک نشود

# جایگاه دادگاه صلح در سیستم قضائی کشور

اجرای صحیح قانون، عدالت ترمیمی را محقق خواهد کرد اما اگر صلح هم واقع نشود، دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌کند.

## ■ استخدام و تامین مخارج کارکنان

ماده ۵ قانون جدید شوراهای حل اختلاف نیز به موضوع جذب نیروی انسانی و تعیین تکلیف کارکنان شوراهای اشاره دارد و براساس آن، قوه قضاییه می‌تواند برای اجرای این قانون حداکثر ۱۰ هزار نفر نیروی انسانی لازم را ظرف مدت پنج سال از میان اشخاص واجد شرایط از طریق آزمون عمومی و تخصصی به صورت پیمانی یا قرارداد کار معین بکارگیری کند. کارکنان تمام وقت شوراهای حل اختلاف اعم از اعضا یا سایر افرادی که تا تاریخ ۲۹ اسفند سال ۱۴۰۱ در شوراهای حل اختلاف مشغول بوده‌اند، در اولویت استخدام قرار دارند.

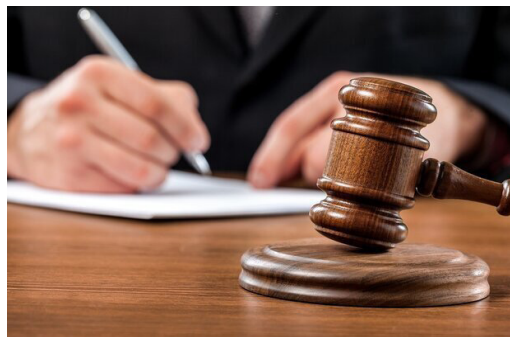
اولویت‌های استخدام بر اساس معیارهای توانمندی، سابقه همکاری، مدرک تحصیلی و حسن رفتار مطابق با آیین‌نامه‌ای است که از سوی ریاست قوه قضاییه ابلاغ خواهد شد و مطابق نص صریح این قانون، کارکنان تمام وقت شوراهای حل اختلاف در اولویت این استخدام قرار دارند.

اگرچه در رابطه با بودجه و نحوه تامین پرداخت حقوق استخدامی‌ها شورای نگهبان نیز در زمینه تامین مالی جذب و استخدام این نیروها قانع نمی‌شد و همین موضوع موجب شد تا لایحه چند مرتبه رفت و برگشت داشته باشد اما با توجه به ماده ۴۶ قانون جدید که هزینه‌های دادرسی و اجرای قانون مخصوصا دادگاه‌های صلح برای استخدام این افراد در نظر گرفته شد، مشکل برطرف شده است.

## ■ موضوعی موثر در قضا

همان‌طور که از موارد یاد شده پیداست، دادگاه صلح از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که می‌تواند بر سیستم دادرسی کشور تاثیر مثبت بگذارد و نه تنها بر این روند، که بر زندگی مردم نیز تاثیر مثبت خواهد گذاشت. به نظر می‌رسد کاهش اطلاع دادرسی و جلوگیری از به وجود آمدن حجم بالای پرونده‌ها در محاکم و مراکز قضایی و بسیاری از موارد دیگر، از مزایای این طرح به شمار می‌رود.

اهمیت موضوع، هفته‌نامه را بر آن داشته است که در شماره‌های آتی نیز به این مقوله بپردازد. از این رو حامی عدالت در شماره‌های آینده به بررسی ابعاد دیگری از موضوع دادگاه صلح خواهد پرداخت.



## ■ برگزاری دادگاه‌های صلح در ساعات غیراداری

نکته مورد تامل زمان رسیدگی به پرونده‌های موجود در دادگاه صلح است. خبرگزاری نامبرده در این خصوص می‌گوید: «مطابق قانون جدید، دادگاه‌های صلح در ساعات غیراداری و روزهای تعطیل نیز می‌توانند به پرونده‌ها رسیدگی کنند و این اقدام باعث تسریع در رسیدگی‌ها می‌شود.»

## ■ رسیدگی یک مرحله‌ای در دادگاه‌های صلح

از سوی دیگر با توجه به اینکه یکی از علل تاخیر در رسیدگی‌ها، دو مرحله‌ای بودن صدور آرای قضایی است اما براساس قانون جدید، رسیدگی در دادگاه‌های صلح یک مرحله‌ای است و بسیاری از آرای صادره قطعی هستند که البته استثنائاتی مطابق با تبصره ۶ ماده ۱۱ قانون شورای حل اختلاف وجود دارد.

این جمله نکته مهمی است که جمهوری اسلامی به آن اشاره کرده است. در ادامه این بخش به این صورت تشریح شده است: «بنا بر تغییر در قانون، قطعیت آرای مربوط به دعاوی خرد موجب تسریع در تعیین تکلیف و اجرای حکم می‌شود و تصمیم‌گیری نهایی زودتر اتفاق می‌افتد همچنین گستردگی صلاحیت‌های دادگاه‌های صلح موجب می‌شود تا حجم گسترده‌ای از پرونده‌های قضایی به این دادگاه‌ها ارجاع شود و چون فرایند رسیدگی در این دادگاه‌ها تسهیل شده است؛ بنابراین رسیدگی‌ها را تسریع می‌کند البته آنچه باعث افزایش رضایتمندی مردم خواهد شد، نحوه اجرای قانون است.»

رویکرد دادگاه‌های صلح با استقرار اعضای شوراهای حل اختلاف، گسترش صلح است البته صلح هم باید منصفانه و عادلانه باشد و نباید به ظلم برسد و نحوه فعالیت دادگاه‌های صلح در صورت

حامی عدالت: دادگاه صلح چیست؟ این دادگاه چه تاثیری در حجم دادرسی و کاهش پرونده‌های قضایی دارد؟ تا کنون حامی عدالت به مطالب دیگری پیرامون ابعاد گوناگون موضوع پرداخته است. بررسی این دادگاه‌ها با رویکرد کدخدانمشی، و توجه به آن از زاویه جامعه‌شناسی یکی از ابعاد مطروحه بوده است. در این شماره تلاش بر این است که به بررسی اجمالی دادگاه صلح و معرفی بیشتر آن بپردازیم. با هم این مطلب گردآوری شده را مرور می‌کنیم.

## ■ دادگاه صلح از نگاه مطبوعات

رسانه‌های گوناگونی با پرداختن به این موضوع جزئیات آن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

معاونت حقوقی ریاست جمهوری معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی در این باره در ۵شنبه، ۲۵ آبان ۱۴۰۲ تحت عنوان مطلبی با عنوان آرای قابل تجدیدنظر در دادگاه صلح توضیحی بر این موضوع دارد. در این متن آمده است: مطابق قانون جدید شوراهای حل اختلاف؛ دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد ریال (صد میلیون تومان) در صلاحیت دادگاه صلح است.

در صورتی که خواسته دعوی طرح شده در دادگاه صلح بیشتر از پنجاه میلیون تومان باشد قابلیت تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان را دارد و اگر خواسته تا مبلغ پنجاه میلیون تومان باشد آرای دادگاه صلح، قطعی است و قابلیت تجدیدنظرخواهی ندارد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی در یکی از مطالب خود با موضوع دادگاه صلح به جزئیات قانون جدید شوراهای حل اختلاف می‌پردازد و مطرح می‌کند: «دادگاه صلح» به چه پرونده‌هایی رسیدگی می‌کند؟

در بخشی از این مطلب آمده است: «همچنین مطابق با تبصره یک ماده ۱۱ این قانون، آنچه که در صلاحیت دادگاه‌های صلح از لحاظ کیفری تعیین شده است بدون نیاز به صدور کیفرخواست رسیدگی می‌شود؛ در نتیجه اجرای این قانون، فرایند دادرسی آسان‌تر، کوتاه‌تر و با هزینه کمتر انجام خواهد شد.

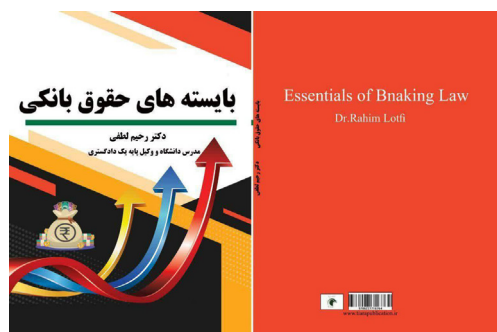
دادگاه‌های صلح مانند دادگاه‌های دادگستری با حضور رئیس دادگاه و یک دادرس علی‌البدل رسمیت می‌یابد اما نکته‌ای که وجود دارد این است که در کنار این دادگاه‌ها برخی اعضای شوراهای حل اختلاف مستقر می‌شوند و برای میانجی‌گری، صلح و سازش تلاش می‌کنند.»

## چند سطری از «بایسته‌های حقوق بانکی»

باید به درخواست طرف دعوا سند را ابراز کند و هرگاه با وجود اعتراف به وجود سند نزد خود، از ابراز آن خودداری کند، دادگاه می‌تواند این امر را به عنوان قرینه‌ای برای اثبات ادعا یا دفاع طرف مقابل محسوب دارد (ماده ۲۰۹ ق.آ.د.م).

خواهان می‌تواند به دفتر تجاری بانک خوانده استناد کند. در این صورت دفتر مذکور باید در دادگاه ابراز شده یا در صورت صلاحدید دادگاه، موارد مورد استناد در محل وقوع دفتر خارج‌نویس شود (مواد ۲۱۰ و ۲۱۱ ق.آ.د.م). با توجه به اطلاق ماده ۲۱۰ قانون مذکور، ابراز دفتر تجاری ممکن است از سوی طرفی درخواست شود که تاجر نیست. در صورت قید دین یا تأیید هرگونه پرداخت در هر یک از دفاتر تجاری بانک، این امر به منزله اقرار کتبی بانک محسوب می‌شود (ماده ۱۲۸۱ ق.م). دفتر تجاری، در مقابل غیر تاجر به نفع بانک سندیت ندارد و تنها به عنوان اماره‌ای برای اثبات ادعا یا دفاع پذیرفته می‌شود (ماده ۱۲۸۹ ق.م). البته کسبه جز تاجر محسوب می‌شوند و دفتر تجاری در مقابل آن‌ها قابل استناد است [۱]. استناد به آن دسته از دفاتر و اسنادی که از مصادیق دفاتر تجاری مذکور در ماده ۶ ق.ت یا مقررات خاص بانکی نیستند، مشمول قواعد مربوط به اسناد عادی است.

با توجه به مواد ۶ و ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی و با لحاظ این امر که امروزه بسیاری از اسناد و صورت وضعیت‌های بانکی قالب الکترونیکی دارند، ابراز آن‌ها بر اساس ق.آ.د.م انجام خواهد شد و هر شخصی می‌تواند برای اثبات ادعا یا دفاع از خود به این اسناد و سوابق استناد کند ...»



به طور کلی، دعاوی اشخاص علیه بانک‌ها از قواعد عمومی حاکم بر دعاوی قضایی تبعیت می‌کند و دولتی یا غیردولتی بودن بانک طرف دعوا، تأثیری در تعیین دادگاه صالح ندارد. این دعاوی در صلاحیت دادگاه عمومی بوده و از حیث تشریفات مشمول ق.آ.د.م و سایر مقررات مرتبط است. به علاوه، این دعاوی دارای اوصاف زیر است:

– به موجب ماده ۲۱۲ ق.آ.د.م خواهان می‌تواند ابراز سند یا اطلاعات دیگری را که نزد ادارات یا بانک‌های دولتی است، درخواست کند. در این صورت اداره یا بانک مذکور، جز در صورت مغایرت ابراز سند با مصالح سیاسی کشور یا نظم عمومی (که تشخیص آن با دادگاه است)، ملزم به ارائه سند به دادگاه خواهد بود. در صورتی که بانکی که سند نزد آن قرار دارد (اعم از دولتی یا غیردولتی)، خواهان یا خواننده دعوا باشد،

حامی عدالت: کتاب بایسته‌های حقوق بانکی، امسال، چاپ نخست خود را پشت سر گذاشته است. این اثر حقوق بیست و پنجمین اثر رحیم لطفی محسوب می‌شود. این مولف، وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه است و در زمینه داور و تدریس آن فعالیت چشمگیری از خود نشان داده. با هم بخشی از کتاب بایسته‌های حقوق بانکی که به همت انتشارت تی‌آر به چاپ و انتشار رسیده است را می‌خوانیم.

## بایسته‌های حقوق بانکی مولف: دکتر رحیم لطفی

صفحات ۲۳۵ - ۲۳۷:

«مطالبات و دعاوی اشخاص علیه بانک‌ها / دعاوی اشخاص علیه بانک‌ها را می‌توان در حالت‌های مختلفی بررسی کرد. در حالت اول، شخص خواهان یا شاکی از کارکنان بانک است و نسبت به حقوق شغلی و استخدامی خود علیه بانک به عنوان نهاد استخدام کننده (کارفرما) طرح دعوا می‌کند. در حالت دوم، شخص خواهان یا شاکی نسبت به تصمیمات و اقدامات بانک‌ها که قالب قراردادی ندارد و به نحوی در حقوق و تعهدات وی مؤثر است، اعتراض می‌کند. جزئیات این دو حالت و مراجع صالح در مورد آن‌ها در مباحث سوم و چهارم همین فصل بررسی می‌شود. در حالت سوم که موضوع این مبحث است، مطالبات و دعاوی اشخاص علیه بانک‌ها از قراردادی که میان شخص و بانک وجود دارد، ناشی می‌شود یا عنوان دیگری غیر از دعاوی شغلی و اعتراض به تصمیمات و اقدامات اداری دارد.

## حضرت علی (ع):

### اعتماد و دل بستگی به دنیا با آنچه

### از آن بچشم می بینی نادانی است

صاحب امتیاز:  
مرکز و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده  
مدیر مسئول: حسن عبدلیان پور  
زیر نظر شورای سیاست گذاری  
رئیس شورای سیاست گذاری و سردبیر: منصور مظفری  
آدرس: تهران - پلوار نلسون ماندلا.  
کوچه گلنم پلاک ۵۴، تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۵۵۱۱۱  
امور آگهی ها و ارتباط با هفته نامه:  
۰۹۰۲۳۰۵۵۱۲۳  
توزیع: موسسه نشر گستر امروز ۶۶۲۸۳۲۴۲  
چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۸۲۸۱۴  
hamiedalat99@gmail.com

## اقدام‌های دستگاه قضا در استفاده از تاسیسات ارفاقی:

# تاسیسات ارفاقی یا ارفاق‌های قانونی به چه معناست؟

آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (۱۴۰۰)، نیز از قوانینی است که به موضوع تاسیسات ارفاقی، ارفاق‌های قانونی و نهادهای ارفاقی در مورد محکومان و نحوه اعمال و اجرای آن پرداخته است.

طبق بند ج ماده ۸ این آیین‌نامه: علاوه بر وظایفی که در قانون آیین دادرسی کیفری و دیگر قوانین و مقررات، برای قاضی اجرای احکام پیش‌بینی شده است، اظهار نظر ظرف یک هفته درباره متهمان و محکومان واجد شرایط استفاده از ارفاق‌های قانونی مانند: عفو، آزادی مشروط، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، نظام نیمه‌آزادی و بررسی ادعای توبه و پیگیری مقتضی در مراجع قضایی و اعلام نتیجه به مؤسسه، پس از ثبت در سامانه مربوط از مواردی است که انجام آن در مورد زندانیان به عهده قاضی اجرای احکام است.

## الزام قانونی بر آموزش برخورداری از ارفاق‌های قانونی به محکومان

طبق ماده ۶۲ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها: یکی از وظایف رئیس مؤسسه (منظور مؤسسه کیفری شامل: رئیس یکی از انواع موسسات زندان‌های بسته، نیمه‌باز، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان باز، بازداشتگاه، اردوگاه کاردرمانی و کانون اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان است) یا مسئول واحد امور قضایی یا مسئول بخش تشخیص، این است که روزانه در ابتدای وقت اداری با زندانیان تازه‌وارد ملاقات می‌کند و با تفهیم حقوق و تکالیف زندانیان، شرایط و شیوه طبقه‌بندی و برخورداری از ارفاق‌های قانونی را به آن‌ها آموزش می‌دهد. همچنین در دوره تشخیص از طرق مختلف، آموزش و آگاه‌سازی زندانیان به طور مستمر انجام می‌گیرد.

## محکوم در چه شرایطی مشمول ارفاق‌های قانونی واقع می‌شود؟

علاوه بر شرایطی که در مواد قانونی مربوط به ارفاق‌های قانونی مذکور در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری آمده است، بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۰ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، بهره‌مندی زندانی از ارفاق‌های قانونی مانند: مرخصی، انتقال به زندان نیمه‌باز، اعزام به کار در خارج از زندان، ملاقات حضوری یا خصوصی، نظام نیمه‌آزادی، آزادی مشروط، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و خدمات پس از خروج، بر اساس «درجه اعتباری» کسب شده زندانی خواهد بود.

بخش سوم این آیین‌نامه به حقوق زندانیان، اقدام‌های حمایتی و ارفاق‌های قانونی محکومان می‌پردازد. این بخش، ارفاق‌های قانونی را در قالب شرایط دریافت مرخصی، شرایط و نحوه ملاقات و ارتباط با خارج از مؤسسه و ارسال مراسلات و شکایات زندانی بیان می‌کند. طبق ماده ۱۹۴ این آیین‌نامه، در اجرای ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری، محکوم می‌تواند در صورت رعایت ضوابط و مقررات مؤسسه کیفری، در برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و کسب حداقل ۱۰۰ امتیاز طبق معیارهای درجه اعتباری، پس از اعلام شورای طبقه‌بندی ماهانه حداکثر ۳ روز از مرخصی برخوردار شود. بر اساس ماده ۲۳۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها در بخش اجرای احکام: به‌منظور برخورداری متهمان و محکومان از حمایت‌ها و ارفاق‌های قانونی، مراجع قضایی در برگ بازداشت یا برگ اعلام محکومیت درجه قانونی جرم را درج و تصویر آراء و هرگونه تغییرات در وضعیت قضایی زندانیان را به مؤسسه منعکس می‌کنند. سازمان نیز با بروزسانی، پشتیبانی و ارتقاء سامانه ثبت اطلاعات زندانیان، خطای انسانی را به حداقل می‌رساند و امکان گزارش‌گیری لازم جهت اعمال تاسیسات حقوقی و شناسایی زندانیان واجد شرایط بهره‌مندی از ارفاق‌های قانونی را به نحو هوشمند فراهم می‌کند.

یک عبارت کلی نظیر «احول خاص متهم» یا «شرایط خاص متهم» اکتفا نشود؛ بلکه موضوع تبیین شود.

همچنین رئیس عدلیه در جریان ملاقات مردمی در تاریخ ۴ آذر ۱۴۰۰ نیز پس از ابلاغ دستورات در مورد اعمال ارفاقات قانونی برای محکومان یا متهمانی که در زندان به سر می‌برند، از خانواده‌های آن‌ها خواست که شرایط و بستر را برای فرد آزاد شده به نحوی فراهم کنند که دیگر پای آن‌ها به زندان باز نشود. اما منظور از تاسیسات ارفاقی یا ارفاقات قانونی که مورد تاکید رئیس عدلیه است، چیست و در چه مواردی می‌تواند اعمال شود؟

## تاسیسات ارفاقی در قوانین ایران

با توجه به اینکه با رویکرد عدالت ترمیمی، در فرایند وقوع یک جرم، بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه هرکدام به نحوی متأثر از جرم هستند و باید به هر سه ضلع آن توجه کرد، تاسیسات ارفاقی، به عنوان نهادهای حقوقی متأثر از مکتب عدالت ترمیمی، در راستای اصلاح بزه‌کار، جبران خسارات بزه‌دیده و ترمیم جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

با تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، نهادهای ارفاقی جدیدی به نظام عدالت کیفری ایران افزوده شد که قضاوت محاکم کیفری، مخیر به استفاده از این نهادها هستند. نهادهایی با رویکردی ارفاقی که درصدد هستند، ضمن اعمال مجازات، زمینه بازاجتماعی کردن محکومان را فراهم کند.

## ارفاق‌های قانونی در قانون مجازات اسلامی

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مواردی از تاسیسات ارفاقی که برای متهمان و محکومان در نظر گرفته شده را بیان کرده است تا از این طریق به مجرمانی که برای اولین بار مرتکب جرم می‌شوند یا شرایط و شخصیت خاصی برخوردارند در جهت پیشگیری از وقوع مجدد جرم کمک کند.

قانون مجازات اسلامی در موارد ذیل به نهادهای ارفاقی و نحوه اعمال و اجرای آن پرداخته است:

-درجه بندی مجازات‌ها (ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی)

-تعویق صدور حکم (فصل پنجم؛ مواد ۴۰ تا ۴۵ قانون مجازات اسلامی)

-تعلیق اجرای مجازات (فصل ششم؛ مواد ۴۶ تا ۵۵ قانون مجازات اسلامی)

-نظام نیمه آزادی (مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی)

-نظام آزادی مشروط (فصل هشتم؛ مواد ۵۸ تا ۶۳ قانون مجازات اسلامی)

-آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی (ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی)

-مجازات‌های جایگزین حبس (فصل نهم؛ مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی)

-عفو (مبحث اول از فصل یازدهم؛ مواد ۹۶ تا ۹۸ قانون مجازات اسلامی)

-پذیرش توبه (مبحث پنجم از فصل یازدهم؛ مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی)

ارفاق‌های قانونی در قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) تحت عناوین ذیل به نهادهایی ارفاقی و شرایط اجرای آن پرداخته است:

-قرار ترک تعقیب (ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری)

-قرار بایگانی کردن پرونده (ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی)

-قرار تعلیق تعقیب (ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری)

-قرار توقف تحقیقات (ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری)

-مرخصی (ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری)

-محدود کردن بازداشت‌ها (ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری)

ارفاق‌های قانونی در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

تاسیسات ارفاقی یا ارفاق‌های قانونی، امکانی است که در قوانین کیفری برای کمک به محکومان در راستای رویکرد عدالت ترمیمی، پیش‌بینی شده است.

پیشرفت‌های علمی و تحولاتی که در سیستم عدالت کیفری اکثر کشورها، با توجه به موضوعاتی مانند: عدالت ترمیمی و کیفرزدایی، ایجاد شده است در سیستم قانون‌گذاری کشور ما نیز بی‌تأثیر نبوده و قانونگذار با استفاده از رویکردهای نوین، با ایجاد تحولاتی در قوانین شکلی و ماهوی، از نظام عدالت کیفری سرکوب‌گر به سمت نظام کیفری با رویکرد عدالت ترمیمی رفته و با کمک بزه‌دیده و بزه‌کار در صدد حل‌وفصل موضوع برآمده تا از این طریق بهتر بتواند به صیانت از اجتماع بپردازد.

در همین راستا، یکی از مواردی که در قوانین جدید کیفری به آن توجه شده و اجرای آن مورد تأکید رئیس دستگاه قضاست، موضوع استفاده از تاسیسات ارفاقی یا ارفاق‌های قانونی در مورد متهمان و محکومان است.

## تأکید رئیس قوه قضاییه بر استفاده از تاسیسات ارفاقی در مورد محکومان

رئیس قوه قضاییه، در تاریخ ۲۱ آذرماه، در جمع قضات و کارکنان سازمان قضایی نیروهای مسلح، در رابطه با مقوله اعمال ارفاقات قانونی در مورد محکومان واجد شرایط گفت: «تاکید من به همه قضات در کلیه مراجع، آن است که در زمان صدور حکم به مقوله استحقاق داشتن محکوم برای بهره‌مندی از تاسیسات ارفاقی از جمله، آزادی مشروط، تعلیق، عفو و ... عنایت داشته باشند و اینگونه نباشد که برای یک محکوم، حکم سنگینی صادر کنند و پس از آن، برای او تاسیسات ارفاقی اعمال شود؛ این امر موجبات ایجاد تزلزل در احکام صادره را فراهم می‌آورد؛ البته بدون تردید منطبق با قانون باید تاسیسات ارفاقی شامل حال محکومان واجد شرایط گردد.»

توصیه رئیس قوه قضاییه بر استفاده از تاسیسات ارفاقی، محدود به این مورد نبوده و در موارد متعددی به این موضوع تأکید داشته است. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در همایش دادستان‌های سراسر کشور در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ نیز در تبیین دایره اعمال تاسیسات ارفاقی در مورد محکومان و زندانیان، بیان داشت: مسئول قضایی ذی‌ربط ما باید ضمن اهتمام کامل به موازین و اصول قانونی، بدانند که کجا و در قبال چه محکوم و جرمی باید از تاسیسات ارفاقی بهره بگیرد؟ در چه مواردی حکم به جزای نقدی دهد؟ این حکم به جزای نقدی دادن، به چه صورت و کیفیت باشد که باززندگی ایجاد کند؟ کدام دسته از محکومان می‌توانند مشمول عفو قرار گیرند و کدام دسته نمی‌توانند؟

رئیس قوه قضاییه سال گذشته در بازدید از دادگستری و دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان دماوند، در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ نیز در مورد اعمال تاسیسات ارفاقی در مورد محکومان گفت: «نباید در حوزه اعمال ارفاقات قانونی در قبال محکومان، افراط و تفریط صورت گیرد؛ این گزاره بدان معناست که اعطای آزادی مشروط یا سایر ارفاقات قانونی نظیر مرخصی‌های پایان حبس، قرار گرفتن در فهرست عفو مشروط، تعلیق و نظام نیمه آزادی، آزادی تحت نظارت سامانه الکترونیکی و ... در قبال محکوم، منوط به متناسب شدن او و کسب اطمینان نسبت به عدم ارتکاب مجدد جرم از ناحیه اوست. محکومی که محل امنیت روانی مردم است نباید مورد ارفاق قرار گیرد؛ چرا که ارفاق در قابل او ظلم به دیگران است؛ محکومینی که حضورشان در جامعه مضر نیست، حتماً باید وفق مقررات از ارفاقات قانونی بهره‌مند شوند، اما این ارفاقات نباید شامل محکومانی شود که بودن‌شان در جامعه برای مردم مضر است.»

رئیس عدلیه در تاریخ ۲۸ آذر ۱۴۰۱ نیز در جمع روسای کل دادگستری‌ها و دادستانی‌های سراسر در این مورد گفت: «افرادی که وفق قانون می‌توانند از ارفاقات بهره‌مند گردند، باید این ارفاقات در قبال آن‌ها لحاظ شود و حتماً توجه شود که در حکم آن‌ها، جهات این اعمال ارفاق قانونی صورت گرفته، به صورت واضح قید شود تا هم خود فرد از دلایل این ارفاق آگاه شود و هم بعد از انتشار دادنامه، گفته نشود که چرا به این فرد ارفاق صورت گرفت؛ در این مقوله توجه شود که در حکم فردی که ارفاق قانونی شامل او شده، به درج